



ده درس

پیرامون

امر به معروف

9

نهی از منکر

محسن قرائتی

سخن ناشر

کتاب حاضر تلخیص کتاب «امر به معروف و نهی از منکر» حجّت الاسلام و المسلمین قرائتی است که در سال ۱۳۷۵ برای اولین بار چاپ و در طول سالهای گذشته مورد تجدید چاپ قرار گرفته است. بدنبال درخواست معاونت فرهنگی «ستاد احیای امر به معروف»، کتاب فوق در ده درس خلاصه و تنظیم گردید تا برای علاقمندانی که فرصت مطالعه آن کتاب را ندارند مورد استفاده قرار گیرد. امید که شناخت صحیح از دستورات دین، زمینه ساز عمل آگاهانه به احکام الهی گردد و نظام اسلامی را در پیاده کردن فرامین خداوند یاری رساند.

مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن

فهرست مطالب

مقدمه	۱۱
● درس ۱:	
جایگاه امر به معروف در قرآن و روایات	۱۳
سیمای امر به معروف	۱۵
ریشه‌های فطری و غریزی	۱۶
جایگاه امر به معروف در قرآن	۱۷
اولین وظیفه انبیا	۱۷
نشانه بهترین امت	۱۷
گروه ویژه	۱۸
جایگاه امر به معروف در روایات	۱۹
یک نمونه قرآنی از نهی از منکر	۲۰
● درس ۲:	
آثار و برکات	۲۳
الف: برکات معنوی	۲۵
ب: برکات اقتصادی	۲۶
ج: برکات اجتماعی	۲۷
● درس ۳:	
مراحل امر به معروف و نهی از منکر	۲۹
اصل تأثیر	۳۱
احیای سرمایه‌های درونی برای پذیرش	۳۳
نمونه برکات	۳۶

● درس ۴:

- آثار ترک امر به معروف و نهی از منکر ۳۷
- جامعه ساکت مرده است ۳۹
- سیمای افراد ساکت در قیامت ۴۰
- کسانی که سکوت را شکستند! ۴۱
- توجیحات بهانه‌جویان ۴۱
- بیان آثار شوم منکر ۴۵
- احتمال ضرر و خطر ۴۵
- حمایت از آمرین به معروف ۴۶
- اگر مشکلات پیش آمد، چه کنیم؟ ۴۶
- آمران به معروف را دوست بداریم! ۴۸

● درس ۵:

- عوامل نپذیرفتن امر و نهی ۴۹
- الف: عوامل درونی ۵۱
- ب: عوامل بیرونی ۵۲

● درس ۶:

- وظایف آمران به معروف و ناهیان از منکر ۵۵
- دوری از قضاوت عجولانه ۵۸
- میانه‌روی ۵۸
- محبوبیت و نفوذ کلام ۵۸
- کسب آگاهی ۵۹
- با عمل خود، مردم را دعوت کنیم ۶۱
- از کار خلاف انتقاد کنیم، نه از شخص ۶۳
- به حداقل اکتفا کنیم ۶۳
- به سراغ کشف منکر نرویم ۶۴
- نهی از منکر نه حسادت ۶۴

● درس ۷:

- صفات و شرایط آمران و ناهیان ۶۵
- توجه به همه جوانب ۶۸
- هرگز خود را بهتر ندانیم ۶۸
- از کجا شروع کنیم؟ ۶۹
- نقش حکومت ۷۰
- سالم‌سازی محیط ۷۱

● درس ۸:

- شیوه‌های امر به معروف و نهی از منکر ۷۵
- اهمیت شیوه‌ها ۷۷
- شیوه آئینه‌وار ۷۷
- توجه دادن به کرامت و ارزش انسان ۷۸
- شیوه‌های امر و نهی ۸۰

● درس ۹:

- انواع معروف‌ها در قرآن ۹۱
- اقامه نماز ۹۳
- رسیدگی به محرمان ۹۴
- احسان و نیکوکاری ۹۵
- اصلاح ذات‌البین ۹۵
- عدالت ورزی ۹۶
- ازدواج و تشکیل خانواده ۹۶
- حیا و عفت ۹۷
- صبر و استقامت ۹۸
- احیای مراکز دینی ۹۸
- وحدت و اطاعت ۹۹

● درس ۱۰:

انواع منکرها در قرآن	۱۰۱
منکر چیست؟	۱۰۳
الف. منکرات اعتقادی	۱۰۴
خرافات	۱۰۴
تبعیض در احکام دین	۱۰۴
ب. منکرات اجتماعی	۱۰۵
مدپرستی و تقلید کورکورانه	۱۰۵
شرکت در جلسات گناه	۱۰۵
تهمت و آبروریزی	۱۰۶
پیروی از شخصیت‌های کاذب	۱۰۶
سوء ظن و تجسس و غیبت	۱۰۶
سعایت	۱۰۷
بی تفاوتی	۱۰۷
اشاعه فحشا	۱۰۷
چاپلوسی و غلو	۱۰۷
ج. منکرات خانوادگی	۱۰۸
د. منکرات اقتصادی	۱۰۹
ه. منکرات نظامی	۱۰۹
غفلت از دشمن	۱۰۹
فرار از جبهه	۱۱۰
نافرمانی از فرماندهی	۱۱۰
غنیمت‌گرایی	۱۱۰
و. منکرات سیاسی	۱۱۱
پذیرفتن طاغوت‌ها و رهبران ناهل	۱۱۱
پذیرفتن عوامل بیگانه	۱۱۱
مداهنه و سازش	۱۱۱
پنخس شایعات	۱۱۱
بزرگ کردن دشمن	۱۱۲
نپذیرفتن حاکمان الهی	۱۱۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَي سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَ اهل بَيْتِهِ
الْمَعْصومِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَي اَعْدَائِهِمْ اَجْمَعِينَ

مقدمه

با یک نگاه گذرا به سوره مبارکه والعصر می فهمیم که :

بر خلاف گمان انسان که خیال می کند هر روز بر عمرش افزوده می شود، هر روز که می گذرد از سرمایه او کاسته می شود؛

﴿وَالْعَصْرِ اِنَّ الْاِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ﴾ به زمان سوگند که انسان همچون
یخ هر لحظه در حال آب شدن است پس در برابر به هدر رفتن عمر
باید چیزی بهتر از عمر به دست آوریم.

﴿اِلَّا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ﴾ آنچه بهتر از عمر ماست، ایمان و
عمل صالح است. ایمان و کار نیک اگر توسعه پیدا نکنند، ارزشی
نخواهد داشت. بنابراین، باید دیگران را نیز به ایمان و عمل صالح
سفارش و دعوت کنیم ﴿وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ﴾؛ البسته پیمودن این راه،
مشکلاتی در بر خواهد داشت؛ ولی به هر حال باید با پشتکار این راه
را پیماییم. ﴿وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾

در زمان ما، با رهبری امام خمینی علیه السلام و خون شهدا، بزرگ ترین منکر
(حکومت طاغوت و سلطه آمریکا) محو و بزرگ ترین معروف

(استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی) بر پا شد.

و این ما هستیم که باید از آن بخوبی پاسداری کنیم؛ هر جا فسادی دیدیم، فریاد بزنیم و آن را بیان کنیم. همچنین، هر روز معروفی را گسترش دهیم.

به فکر رسید، اکنون که خداوند توفیق تشکیل ستاد اقامه نماز را به ما داد و توانستیم میلیونها جلد کتاب نماز در سطوح مختلف تهیه، تکثیر و توزیع کنیم، دوستانی را پیدا کنیم تا برای زکات و امر به معروف نیز کاری فرهنگی انجام دهیم.

با آیت الله جنتی ستاد احیای امر به معروف را تشکیل دادیم و کار را شروع کردیم. از خداوند هم توفیق خواستیم. در این ستاد، هر یک از دوستان کاری را به عهده گرفت و سهم من هم کار فرهنگی و تبلیغی شد. لازم دانستم کتابی در این زمینه بنویسم. پانزده جلسه برنامه درسهایی از قرآن را که در تلویزیون پیرامون امر به معروف داشته‌ام، تکمیل و به صورت کتابی عرضه کردم.

از خداوند توفیق همه را در انجام این فریضه الهی خواهانم و اگر لغزشی در نوشته‌هایم هست، از خداوند عزیز عذر می‌خواهم و از بزرگانی که به من یاری می‌دهند، تشکر می‌کنم.

محسن قرائتی

درس اول

جایگاه امر به معروف

در

قرآن و روایات

سیمای امر به معروف

- * امر به معروف، نشانه عشق انسان به مکتب است.
- * امر به معروف، نشانه علاقه انسان به سلامت جامعه است.
- * امر به معروف، نشانه فطرت بیدار جامعه است.
- * امر به معروف، مایه تشویق نیکوکاران جامعه است.
- * امر به معروف، مایه تذکر و آگاه کردن افراد جاهل است.
- * امر به معروف و نهی از منکر، گاز و ترمزی است که ماشین جامعه را هدایت می‌کند.
- * امر به معروف و نهی از منکر والدین است که اساس تربیت کودک را تشکیل می‌دهد.
- * امر به معروف، سبب دلگرمی و تقویت افراد کم اراده می‌شود.
- * امر به معروف، نشانه حضور در صحنه است.
- * نهی از منکر، جبران کننده کمبود تقوای بعضی از افراد جامعه است.
- * امر به معروف، جامعه را رشد می‌دهد و نهی از منکر، جامعه را از سقوط نجات می‌دهد.
- * امر به معروف و نهی از منکر، نشانه غیرت دینی و احساس مسئولیت است.
- * امر به معروف و نهی از منکر، نوعی نظارت عمومی است.

ریشه‌های فطری و غریزی

پدران و مادران در طول تاریخ، فرزندان خود را به کارهایی واداشته و از کارهایی نهی کرده‌اند. مسأله امر و نهی و تشویق و هشدار، ریشه در درون هر انسانی دارد و مربوط به زمان و مکان و یا نژاد و منطقه خاصی نمی‌شود و هر مسأله‌ای این‌گونه فراگیر باشد، نشان از فطری بودن آن دارد.

هشدار و اخطار و فریاد در برابر خطرها و انحراف‌ها، مخصوص انسان نیست. در قرآن می‌خوانیم: وقی مورچه‌ای دید حضرت سلیمان با لشگرش در حرکتند، فریاد زد و به سایر مورچگان گفت: به لانه‌های خود بروید تا پایمال نشوید.^(۱)

و هنگامی که هدهد در پرواز خود از فضای کشور سبا متوجه انحراف مردم شد و دریافت که مردم خورشید پرستند، نزد حضرت سلیمان آمد و از این انحراف شکایت کرد.^(۲)

بنابراین، فریاد در برابر انحراف و دلسوزی برای دیگران، نه تنها مسأله‌ای فطری برای انسان‌هاست، بلکه ریشه‌ای غریزی در حیوانات نیز دارد.

جایگاه امر به معروف در قرآن

این موضوع از همان روزهای اول بعثت پیامبر اسلام ﷺ مورد عنایت اسلام بوده است. سوره العصر که اوائل بعثت در مکه نازل شده است، در جمله: «تَوَاصُوا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصُوا بِالصَّبْرِ» اشاره به امر به معروف می‌کند و از مؤمنان می‌خواهد تا یکدیگر را به کارهای حق و پایداری در راه خدا سفارش کنند.

اولین وظیفه انبیا

قرآن می‌فرماید: ما در میان هر امتی، پیامبری را مبعوث کردیم که مهم‌ترین وظیفه او دو چیز بود: یکی امر به یکتاپرستی که بزرگ‌ترین معروف‌هاست «أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ»، و دوم نهی از اطاعت طاغوت‌ها که بزرگ‌ترین منکرهاست. «اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»^(۱)

نشانه بهترین امت

قرآن خطاب به مسلمانان می‌فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ»^(۲) شما بهترین امتی هستید که بر مردم ظاهر شده‌اید؛ به شرط آنکه امر به معروف و نهی از منکر کنید.

امر به معروف کاری است که خداوند انجام می‌دهد:

«لِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ»^(۳)

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۱۰.

۱. سوره نحل، آیه ۳۶.

۳. سوره نحل، آیه ۹۰.

۲. سوره نمل، آیه ۲۴.

۱. سوره نمل، آیه ۱۸.

چنانکه امر به منکر کار شیطان است:

﴿الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ﴾^(۱)

امر به معروف یک وظیفه عمومی است. قرآن می‌فرماید: تمام مردان و زنان با ایمان نسبت به یکدیگر حق ولایت دارند تا یکدیگر را به معروف سفارش کنند و از منکر باز دارند.^(۲)

البته همواره در قرآن، امر به معروف، مقدم بر نهی از منکر به کار رفته است تا بفهماند که کارها را از راه مثبت پیگیری کنید و در جامعه، تنها انتقاد کننده نباشید.

گروه ویژه

قرآن می‌فرماید: ﴿وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾^(۳) از میان شما، گروهی باید دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر کنند.

حساب این گروه از حساب وظیفه عمومی جداست. این دسته باید با قدرت و امکانات وارد عمل شوند و جلوی منکرات را بگیرند. چنانکه اگر ماشینی در خیابان یک طرفه بر خلاف مسیر حرکت کند، دو وظیفه وجود دارد: یکی وظیفه عموم رانندگان که تخلف او را با بوق و چراغ به او بفهمانند؛ و یک وظیفه هم پلیس دارد که او را جریمه کند.

۱. سوره بقره، آیه ۲۶۸.

۲. سوره توبه، آیه ۷۱.

۳. سوره آل عمران، آیه ۱۰۴.

جایگاه امر به معروف در روایات

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: آمران به معروف، جانشینان خدا در زمین هستند.^(۱)

امیر المؤمنین علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید: تمام کارهای خیر و حتی جهاد در راه خدا، نسبت به امر به معروف مثل رطوبت دهان است نسبت به آب دریا.^(۲)

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: امر به معروف و نهی از منکر برای عموم مردم یک مصلحت است (تا انگیزه آنان را نسبت به کار خیر زیاد کند)، و نهی از منکر برای افراد نابخرد که گرایش به انحراف در آنان زیاد است، وسیله کنترل قوی است.^(۳)

امام باقر علیه السلام در مقام شکایت می‌فرماید: افرادی هستند که اگر نماز ضرری به مال یا جانشان بزند، آن را ترک می‌کنند؛ همان گونه که امر به معروف و نهی از منکر را که بزرگ‌ترین و شریف‌ترین واجبات است، به همین خاطر رها کردند.^(۴)

در حدیث می‌خوانیم: بهترین دوست آن است که هنگام خلاف، مانع تو شود و بدترین دوست آن است که به تو تذکر ندهد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: بهترین دوست من کسی است که عیب‌های مرا به من هدیه کند.

همچنین فرمود: کسی که بتواند جلوی مفسد را بگیرد، ولی نگیرد،

۱. تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۸.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲.

۴. کافی، ج ۴، ص ۵۵.

گویا دوست دارد که خداوند متعال معصیت شود. چنین کسی اعلام دشمنی با خدا کرده است.^(۱)

رسول خدا ﷺ فرمود: گروهی هستند که نه پیامبرند و نه شهید؛ ولی مردم به مقام آنان که به خاطر امر به معروف به دست آورده اند، غبطه می‌خورند.^(۲)

در پایان این بحث به یک نمونه قرآنی از نهی از منکر اشاره می‌کنیم:

یک نمونه قرآنی از نهی از منکر

حضرت ابراهیم که عموی خود را بت پرست می‌دید، برای بازداشتن او از این کار به او گفت: این مجسمه‌هایی که شما پایبند عبادت آنها شده‌اید، چه معنا دارد؟ **«إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ»**^(۳)

از این بیان بسیار کوتاه، به چند اصل مهم در امر به معروف و نهی از منکر پی می‌بریم:

۱- کسی که امر به معروف می‌کند، باید از رشد و کفایت خاصی برخوردار باشد.

۲- در امر و نهی شرط سنی وجود ندارد. **«قَالَ لِأَبِيهِ»**

۳- امر و نهی را از نزدیکان شروع کنیم. **«قَالَ لِأَبِيهِ»**

۴- در نهی از منکر، ابتدا از منکرات بزرگ شروع کنیم. **«مَا هَذِهِ»**

۱. مستدرک، ج ۲، ص ۳۵۷.

۲. مستدرک، ج ۲، ص ۳۵۸.

۳. سوره انبیاء، آیه ۵۲.

التَّمَاثِيلُ

۵- در امر و نهی، مردم را به کرامت و شخصیت خودشان متوجه

سازیم. **«أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ»**

۶- در نهی از منکر، گاهی باید یک نفر در برابر گروهی قرار گیرد.

«لَأَبِيهِ وَقَوْمِهِ»

۷- در امر و نهی با شیوه سؤال، وجدانها را بیدار کنیم. **«مَا هَذِهِ»**

التَّمَاثِيلُ

۸- در امر و نهی، قاطعیت و صراحت داشته باشیم. **«أَنْتُمْ وَأَبَائِكُمْ»**

درس دوم

آثار و برکات

الف: برکات معنوی

۱- اصلاح خود انسان

حضرت علی علیه السلام به فرزندش فرمود: امر به معروف کن تا اهل معروف باشی.^(۱)

همان گونه که هرکس لباس می‌شوید، دست خودش نیز پاک می‌شود.

۲- شرکت در پاداش نیکی‌ها

در روایات متعدد می‌خوانیم: هر کس مردم را به کار خیر راهنمایی و سفارش کند، در پاداش آنان شریک است، بدون آنکه از اجر عامل کاسته شود. چنانکه هر کس دیگری را به کار خلاف و انحراف دعوت کند، در کیفر او شریک است.^(۲)

۳- نجات از قهر خدا

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هر کس منکر و خلافتی را دید و قلباً از آن ناراحت شد، همانا از قهر خدا نجات پیدا کرده و تن به سلامت برده است و هرکس با زبان از کار خلاف نهی کرد، به پاداش رسیده است.^(۳)

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۹۸.

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۰۵.

ب: برکات اقتصادی

قرآن می‌فرماید: اگر مردم ایمان آورند و تقوا پیشه کنند (که یکی از مصادیق تقوی امر به معروف و نهی از منکر است) به طور قطع، برکاتی از آسمان و زمین بر آنان خواهیم گشود.^(۱)

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: با امر به معروف و نهی از منکر، کسب‌ها حلال و زمین‌ها آباد می‌شود.^(۲)

اگر در برابر کم‌فروشی‌ها، گرانفروشی‌ها، رباخواری‌ها و حیله و تزویرها همه افراد حساس باشند، بازار اصلاح می‌شود.

حضرت علی علیه السلام همواره با تازیانه وارد بازار می‌شد و به کسانی که جنس خود را در سایه می‌فروختند تا عیب آن مخفی بماند و یا جنس بهتر را روی دیگر اجناس و نوع نامرغوب را در زیر می‌نهادند، هشدار می‌داد.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله به ابن مسعود فرمود: با گناهکاران معامله نکنید! اگر مسلمانان به همین جمله عمل کنند، یعنی تجار خلافکار را بایکوت و همه بر ضد آنان اعتصاب کنند، او مجبور است خود و تجارتش را اصلاح کند.

۱. سوره اعراف، آیه ۹۶.

۲. تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۸.

ج: برکات اجتماعی

قرآن، جامعه‌ای را رستگار می‌داند که امر به معروف و نهی از منکر در آن زنده باشد.^(۱)

صالحانی را که ما در هر نماز با جمله «السلام علينا و علی عباد الله الصالحین» بر آنان درود می‌فرستیم، کسانی هستند که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.^(۲)

اگر امر به معروف و نهی از منکر ترک شود، بتدریج اشرار حاکم خواهند شد و کار به جایی خواهد رسید که خوبان هر چه فریاد زنند، پاسخی نشنوند.^(۳)

امام صادق علیه السلام به یکی از یاران خود فرمود: اگر شما دور بنی عباس را نمی‌گرفتید، آنها ما را خانه نشین نمی‌کردند. سکوت شما ما را خانه نشین کرد.^(۴)

اگر امروز همه کشورهای اسلامی بر سر اسرائیل غاصب فریاد زنند، او مناطق تحت اشغال خود را به اعراب پس می‌دهد.

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۰۴.

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۱۴.

۳. تهذیب، ج ۶، ص ۱۷۶.

۴. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۴۴.

درس سوّم

مراحل امر به معروف

و

نهی از منکر

مراحل امر و نهی

مرحله اول: انسان قلباً از اینکه معصیت خدا شود، ناراحت باشد و کار خلاف را در روح خود منکر بداند و از آن متنفر باشد. در این مرحله، احادی معاف نیست.

مرحله دوم: با زبان به خلافکار هشدار دهد و به خوبی‌ها سفارش کند. قرآن می‌فرماید: کیست بهتر از آن که به سوی خدا دعوت کند و کردار خودش نیکو باشد.^(۱)

مرحله سوم: اگر بیان اثر نکرد، با قدرت جلو خلاف گرفته شود.

اصل تأثیر

امر به معروف و نهی از منکر، برای تأثیر است؛ یعنی ببینیم که خلافکار از چه طریقی از کردار خود دست برمی‌دارد، از همان راه وارد شویم.

آنچه اسلام از ما خواسته، منع از منکرات و سفارش به معروف‌هاست؛ ولی شیوه انجام آن تعبدی نیست؛ یعنی اینکه به چه نحو باشد؟ در چه زمان باشد؟ با چه وسیله باشد؟ از طرف چه کسی باشد؟ به چه شکل باشد؟ تعبدی نیست.

۱. سوره فصلت، آیه ۳۳.

اسلام، اینها را به عقل واگذار کرده تا بهترین و سریعترین راه را برای تأثیر پیدا کند.

بزرگان، شرط وجوب امر به معروف را احتمال تأثیر دانسته‌اند. یعنی اگر بدانید که اثر نمی‌کند، بر شما واجب نیست.

ما ضمن پذیرش این اصل کلی، به چند نکته اشاره می‌کنیم:

۱- ممکن است سخن ما فعلاً اثر نکند؛ ولی بعداً اثر کند و به مرور زمان موجب بیداری و هوشیاری شود.

امام حسین علیه السلام فرمود: من برای احیای امر به معروف و نهی از منکر به کربلا می‌روم. گرچه آن زمان، امام شهید شد و یزید و لشکرش تحت تأثیر قرار نرفتند؛ ولی به مرور، ناحق بودن بنی‌امیه و مظلومیت اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای مردم روشن شد.

۲- فضا سازی یک ارزش است؛ برای مثال، هر کسی که به تنهایی مشغول نماز می‌شود، مستحب است اذان بگوید و در اذان، «حی علی الصلوة» سردهد. گفتن این جمله یک ارزش است؛ هر چند شنونده‌ای وجود نداشته باشد تا برای برپایی نماز بشتابد.

۳- با نهی از منکر لذت گناه را از کام گناهکار می‌گیریم و نمی‌گذاریم که او با خیال راحت گناه کند.

۴- عذر برای ما و اتمام حجت بر گناهکار؛

قرآن می‌فرماید: گفتن حق، مایه اتمام حجت بر گناهکار است تا نگوید: کسی به من تذکر نداد و عذری است برای مؤمن تا به او گفته

نشود: چرا فریاد نزدی. «عذراً او نذراً»^(۱) آری، احتمال اثر شرط وجوب است؛ یعنی اگر احتمال اثر نمی‌دهی، واجب نیست؛ نه آنکه ممنوع باشد.

احیای سرمایه‌های درونی برای پذیرش

۱- ایمان به خدا

بهترین وسیله برای پذیرش امر به معروف و نهی از منکر، تحکیم عقیده به مبدأ و معاد است.

برای مثال، به کسی که وارد منزلی می‌شود، زمانی می‌توان گفت: این کار را بکن و این کار را نکن! که عقیده داشته باشد: منزل صاحبی دارد، حساسی در کار است و کارهای او در منزل زیر نظر است.

البته بعضی افراد ایمان دارند، ولی فراموشکارند؛ لذا هم ایمان لازم است و هم توجه.

قرآن درباره بعضی می‌فرماید: خدا را فراموش می‌کنند^(۲) و یا قیامت را به فراموشی می‌سپارند.^(۳)

کسی که خدا را ناظر^(۴) و فرشتگان او را مأمور ثبت و ضبط کار خود بداند^(۵) و توجه داشته باشد که در روز قیامت خداوند پرونده اعمال انسان را جلو روی او خواهد گذاشت^(۶) و او باید پاسخگوی همه کارها، بلکه افکار و نیات خود باشد، چنین فردی دست به گناه نمی‌زند.

۱. سوره رسالات، آیه ۶. ۲. سوره حشر، آیه ۱۹.
 ۳. سوره ص، آیه ۲۶. ۴. سوره علق، آیه ۱۴.
 ۵. سوره زخرف، آیه ۸۰. ۶. سوره کهف، آیه ۴۹.

۲- تشکر از خداوند

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: حتی اگر خداوند برای گناه، کیفر دوزخ قرار نمی‌داد، لازم بود که انسان به خاطر تشکر از آن همه الطاف او، از گناه و مخالفتش دوری کند.^(۱)

۳- توجه به نظارت اولیای خدا

در اصول کافی، روایات متعددی نقل شده است مبنی بر اینکه: در هر هفته، اعمال انسان به امام زمان علیه السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرضه می‌شود و آن بزرگواران را خشنود یا ناراحت می‌کند.

۴- توجه به آثار شوم گناه

قرآن می‌فرماید: «مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ»^(۲) هر مصیبت که به شما می‌رسد، به خاطر عملکرد خودتان است. آشنایی با تاریخ و زندگی اقوام گذشته که اهل منکر بودند، انسان را به دوری از منکرات می‌کشاند.

در قرآن کریم دهها آیه در این زمینه آمده است:

«فَأَهْلَكْنَا هُمْ بِذُنُوبِهِمْ»^(۳) ما فلان قوم را به خاطر گناهانش هلاک کردیم.
 «فَأَهْلِكُوا بِطَاغِيَةِ»^(۴) طغیان مردم سبب نابودی آنان است.
 «وَمِنْهُمْ مَنْ أَعْرَفْنَا»^(۵) قومی را در آب غرق کردیم.
 «فَأَخَذْتَهُمْ صَاعِقَةً الْعَذَابِ»^(۶) گروهی را با صاعقه نابود کردیم.

«بَرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ»^(۱) جمعی را با باد سرد کننده هلاک کردیم.
 «جَعَلْنَا عَلَيْهَا سَافِلَهَا»^(۲) شهر قومی را زیر و رو کردیم.

آشنایی با این هشدارها، یکی از عوامل دست برداشتن از منکرات و کفر و طغیان است. تمام آیاتی که سفارش به سیر در زمین و نگاه همراه عبرت کرده و تمام آیاتی که ما را به مطالعه عاقبت کار نیکوکاران یا فاسدان دعوت کرده، به همین منظور است.

۵- توجه به برکات معروف

آشنایی با منافع و آثار خوبی‌ها، انسان را برای انجام معروف آماده می‌سازد. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: اگر مردم زیبایی‌های سخنان ما را بدانند، حتماً پیرو ما می‌شوند.^(۳)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: خداوند متعال به موسی وحی کرد: من به خاطر تلاش پدران به فرزندان لطف می‌کنم. اگر پدران نیکوکار باشند، به فرزندانشان خیر و برکت می‌رسد؛ اما اگر شرور باشند، به فرزندانشان شر می‌رسد.^(۴)

آری، کار خیر یا شر در همین دنیا نیز بی‌پاسخ نمی‌ماند.

این جهان کوه است و فعل ما ندا

سوی ما آید صداها را ندا

از مکافات عمل غافل مشو

گندم از گندم بروید جو ز جو

۱. نهج البلاغه، حکمت ۲۸۲. ۲. سوره شوری، آیه ۳۰.
 ۳. سوره انعام، آیه ۶. ۴. سوره حاقه، آیه ۵.
 ۵. سوره عنکبوت، آیه ۴۰. ۶. سوره فصلت، آیه ۱۷.

۱. سوره حاقه، آیه ۶. ۲. سوره هود، آیه ۸۲.
 ۳. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۶۵. ۴. بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۲۹۶.

نمونه برکات

- * احسان به مردم، سبب احسان خداوند و مردم به ما می شود.^(۱)
 - * صدقه دفع بلا می کند.^(۲)
 - * حج، انسان را از فقیر شدن بیمه می کند.^(۳)
 - * زکات، مال را بیمه می کند.^(۴)
 - * عفو مردم، کلید عفو الهی است.^(۵)
 - * صلۀ رحم، عمر را طولانی می کند.^(۶)
 - * نماز، انسان را از فحشا و منکر باز می دارد.^(۷)
 - * کارهای نیکو، گناهان را از بین می برد.^(۸)
 - * عقیقه، وسیله بیمه کردن نوزاد از خطرات است.
 - * استعاذه و دعا، ما را از خطرات نجات می دهد.^(۹)
 - * روزه، وسیله سلامتی است.^(۱۰)
 - * قناعت، کلید عزت است.^(۱۱)
 - * زهد، رمز رحمت است.^(۱۲)
 - * یاد خدا، تنها وسیله آرامش است.^(۱۳)
- آری، برای گسترش و احیای معروفها باید مردم را با آثار و برکات دنیوی و اجر اخروی آنها آشنا کنیم.

۱. سوره اسراء، آیه ۷.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰.

۵. سوره نور، آیه ۲۲.

۷. سوره عنکبوت، آیه ۴۵.

۹. غررالحکم.

۱۱ و ۱۲. غررالحکم.

۲. غررالحکم.

۴. بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۹۹.

۶. غررالحکم.

۸. سوره هود، آیه ۱۱۴.

۱۰. بحارالانوار، ج ۶۲، ص ۶۷.

۱۳. سوره رعد، آیه ۲۸.

درس چهارم

آثار

ترک امر به معروف

و

نهی از منکر

جامعه ساکت مرده است

قرآن می‌فرماید: ﴿وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ﴾^(۱) اگر قاتل را به قصاص رساندید، زنده‌اید.

در حدیث می‌خوانیم: کسی که در برابر خوبی‌ها و بدی‌ها بی‌تفاوت است، مرده‌ای است که در میان زنده‌ها نفس می‌کشد.^(۲)

سکوت در برابر گناه نتیجه‌ای جز خسارت ندارد. براساس سوره عصر، حتی کسانی که اهل ایمان و عمل صالح‌اند ولی ساکت باشند و دیگران را به حق و صبر سفارش نکنند، در خسارت‌اند.

در قرآن می‌خوانیم: اگر گروهی از مردم جلو فتنه و فساد دیگران را نگیرند، همه زمین به فساد کشیده می‌شود.^(۳)

در حدیث آمده است: اگر گناه مخفیانه انجام شود، خطری برای همه مردم ندارد؛ ولی اگر گناه آشکارا انجام شود و مردم قدرت برخورد داشته باشند، ولی ساکت بمانند، خداوند همه را مورد قهر و عذاب خود قرار می‌دهد.^(۴) چنانکه در قرآن می‌فرماید: از فتنه‌هایی که آتش آن همه را می‌سوزاند، بترسید!^(۵)

۱. سوره بقره، آیه ۱۷۹. ۲. تهذیب‌الحکام، ج ۶، ص ۱۸۱.
 ۳. سوره بقره، آیه ۲۵۱. ۴. کنز العمال، حدیث ۵۵۱۵.
 ۵. سوره انفال، آیه ۲۵.

بر اساس روایات: اگر مردم امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند، اشرار بر آنان مسلط خواهند شد و دعاها و ناله‌ها دیگر اثر نخواهد داشت.^(۱)

گاهی سکوت در برابر گناه، نشانه رضایت است که در این صورت بر اساس آیات و روایات، این گونه افراد شریک گناهکار حساب می‌شوند.

خداوند به یهودیان زمان پیامبر خطاب می‌کند که: «چرا شما انبیای پیشین را کشتید؟» در حالی که نیاکان آنان پیامبران را کشته بودند، ولی چون نسل آنها به کار پدران خود راضی بودند، خداوند، فرزندان را به کردار پدران مورد عتاب و انتقاد قرار می‌دهد.^(۲)

با اینکه قاتل حضرت علی علیه السلام یک نفر به نام ابن ملجم بود، ولی در شب نوزدهم ماه رمضان سفارش کرده‌اند که صد مرتبه بگویند: «اللهم العن قتلة امیر المؤمنین» خدایا! قاتلان علی را لعنت کن! زیرا بسیاری دیگر نیز به این کار راضی بودند.

سیمای افراد ساکت در قیامت

در حدیث می‌خوانیم: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «به خدایی که جانم در دست اوست، از امت من گروهی از قبر برمی‌خیزند؛ در حالی که در قیافه بوزینه و خوک هستند. این قیافه‌ها به خاطر آن است که آنان قدرت بر نهی از منکر داشته، ولی با گناهکاران سازش کردند».^(۳)

۱. نهج البلاغه، نامه ۴۷. ۲. سوره آل عمران، آیه ۱۸۳.

۳. کنز العمال، ج ۳، ص ۸۳.

کسانی که سکوت را شکستند!

این سکیت از یاران امام رضا، امام جواد و امام هادی علیهم السلام و در عین حال معلم فرزندان متوکل، خلیفه عباسی بود.

روزی متوکل از او پرسید: «فرزندان من بهترند یا حسن و حسین، دو فرزند علی بن ابیطالب»

او سکوت چندین ساله را شکست و گفت: «قنبر غلام علی از تو و فرزندان بهتر است، تا چه رسد به حسن و حسین!»

متوکل که هرگز توقع شنیدن چنین سخنی را نداشت، به شدت عصبانی شد و دستور قتل او را صادر کرد.^(۱)

توجیهاات بهانه‌جویان

۱- گناه دیگران، به ما کاری ندارد

بعضی می‌گویند: «عیسی به دین خود، موسی به دین خود»، «من و گناهکار را که در یک قبر نمی‌گذارند»، لذا در برابر باطل ساکت می‌مانند، در حالی که جرم در جامعه قابل سرایت است. یک نفر سیگاری هوای محیط را آلوده می‌کند. دروغ نیز جوّ بی اعتمادی را بر جامعه حاکم می‌کند.

گناه در جامعه مثل سوراخ کردن کشتی است، همین که آب وارد شد، همه را غرق خواهد کرد.

۲- مانع آزادی مردم است

بعضی می‌گویند: امر به معروف و نهی از منکر، نوعی دخالت در

۱. مستدرک سفینه البحار، ج ۵، ص ۸۰.

امور شخصی مردم و سلب آزادی از آنان است، در حالی که معنای آزادی آن نیست که هر کس هر کاری انجام دهد؛ زیرا این نه با عقل سازگار است و نه هیچ فرد و جامعه و رژیمی به آن تن می‌دهد. آزادی در چهارچوب قانون و عقل و فطرت معنا دارد؛ وگرنه می‌شود هرج و مرج و بی بند و باری.

در زندگی اجتماعی، آزادی باید بر اساس سلامت جامعه و مقررات فراگیر معنا شود. فرمان پلیس در مورد حرکت یا توقف اتومبیل‌ها برای اصلاح امر ترافیکی، در همه جای دنیا پذیرفته شده است و کسی آن را مخالف آزادی نمی‌داند، در حالی که کار پلیس نوعی امر به معروف یا نهی از منکر عملی است.

۳-حیا و خجالت

گاهی فرد خجالت می‌کشد و حیا می‌کند از اینکه تذکر دهد و جلوی منکری را بگیرد. این نوع حیا در روایات اسلامی مورد انتقاد است و باید این صفت را از خود دور کرد.

۴-ترس

برخی افراد می‌ترسند که مشتری و خریدار آنان کم شود؛ یا دوستانشان را از دست بدهند؛ یا به حرفشان اعتنایی نشود؛ یا مورد تهدید قرار گیرند و یا مردم از کار آنان انتقاد کنند. در حالی که در روایات متعدد آمده است: «امر به معروف و نهی از منکر کنید و نترسید؛ زیرا نه رزق شما قطع، و نه مرگ شما نزدیک می‌شود».^(۱)

۱. میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۶۳.

۵-با یک گل بهار نمی‌شود

گاهی سکوت دیگران، انسان را به سکوت وا می‌دارد و می‌گوید: من که به تنهایی نمی‌توانم کاری بکنم، اگر همه بگویند، من هم می‌گویم. در حالی که امر به معروف در آن فضای مرگبار و ساکت، پاداش بیشتری دارد. در حدیث می‌خوانیم: «بهترین جهاد، کلمه حقی است که انسان در برابر فرد ستمگر بگوید»

۶-انحراف فکری

بعضی افراد می‌گویند: اگر خدا می‌خواست، خودش جلوی این افراد را می‌گرفت و توبیخشان می‌کرد، لابد خدا خواسته است که این کارها باشد. به ما چه ربطی دارد که مانع شویم؟

این منطق نظیر آن است که بگوییم: اگر فلان کار خوب است، چرا خدا خودش انجام نمی‌دهد؛ اگر سیر کردن گرسنگان خوب است، خدا خودش به آنان روزی دهد؛ چرا ما خرج آنان را بپردازیم؟^(۱) گویا این افراد از اینکه خداوند مردم را مختار آفریده تا هر کس به انتخاب خودش عمل کند و آزمایش خودش را پس بدهد، غافلند.

۷-توقع نابجا

بعضی می‌گویند: نگرانیم که به گفته ما عمل نشود. این توقع نابجا است؛ مگر مردم همه سخنان انبیا و امامان معصوم را گوش دادند؟ رسول اکرم ﷺ به حضرت علی ؓ فرمود: «به خدا سوگند که اگر حتی یک نفر توسط تو هدایت شود، برای تو از آنچه خورشید بر آن

۱. سوره یس، آیه ۴۷.

می‌تابد، بهتر است»^(۱).

۸- دیگران هستند

گروهی می‌گویند: اگر لازم باشد، فلان شخصیت، یا مقام و یا فلان انجمن اسلامی و دیگران هستند. غافل از آنکه امر به معروف همچون نماز، وظيفه همه است و غفلت دیگران دلیلی بر توجیه غفلت ما نیست.

۹- امروز بگویم، فردا چه می‌شود؟

بعضی امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کنند و می‌گویند: «بر فرض ما امروز جلو فساد را گرفتیم. باز فردا فساد خواهد کرد.» مثل آن که بگوییم: «اگر امروز منزل و حیاط را تمیز کنیم، باز هفته دیگر کثیف خواهد شد.» تکرار گناه فردا، دلیل بر سکوت امروز ما نیست.

۱۰- ترک وظیفه به گمان خودسازی

فراریان جنگ تبوک به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌گفتند: در سفر به تبوک و جنگ با سپاه روم، نگرانیم که چشمان به دختران آنان بیفتد و گناه کنیم، لذا به این سفر نمی‌آییم!

۱۱- کار از کار گذشته

بعضی می‌گویند: باید فکر اساسی کرد و کار از تذکر و موعظه گذشته است. مانند آن که تشنه‌ای را می‌بیند و می‌تواند با کمی آب او را از مرگ نجات دهد، ولی می‌گوید: باید فکر آبرسانی سراسری باشیم. البته، فکر اساسی و تصمیم کلی حرف منطقی است، ولی این تفکر نباید بهانه ترک امر به معروف و نهی از منکر موردی شود.

۱. بحارالانوار، ج ۳۲، ص ۴۴۷.

بیان آثار شوم منکر

اگر از اول جلو منکر گرفته نشود، بی در پی خطراتی را به دنبال خواهد داشت. حضرت علی علیه السلام، نفوذ تدریجی و گام به گام شیطان را اینگونه توصیف می‌کند:

«فَبَاضَ»؛ اول شیطان در روح انسان تخمگذاری می‌کند.

«وَفَرَّخَ فِي صُدُورِهِمْ»؛ بعد جوجه‌ها از تخم بیرون می‌آیند.

«وَدَبَّ»؛ سپس در روح انسان به حرکت در می‌آیند.

«وَدَرَجَ فِي حُجُورِهِمْ»؛ پس در دامن انسان به راه می‌افتند.

«فَنَظَرَ بِأَعْيُنِهِمْ»؛ پس شیطان به واسطه چشم آنان می‌نگرد و به جای

عین الله، عین الشیطان می‌شوند.

«وَنَطَقَ بِأَلْسِنَتِهِمْ»؛ و حرف خود را با زبان آنان می‌زند.

«فَرَكِبَ بِهِمُ الزَّلَّالَ»؛ و به واسطه این افراد، سبب لغزش دیگران را

فراهم می‌کند.^(۱)

احتمال ضرر و خطر

گرچه طبق قانون «اهم و مهم» باید در هر اقدامی محاسبه کرد و هر حرکتی را سنجیده انجام داد، ولی باید در انجام این دو وظیفه بزرگ، گاهی به استقبال خطر رفت.

اگر قرآن در ستایش از افرادی می‌فرماید: «آنان از هیچ سرزنشی

نمی‌هراسند»^(۲) به خاطر آن است که عمل به وظیفه، سرزنش دارد و

۲. سوره مائده، آیه ۵۴.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۷.

باید آماده آن بود.

آیاتی که در انتقاد از گروهی می‌فرماید: «خداوند سزاوارتر به ترسیدن است تا مردم»^(۱) به ما می‌گوید: از مردم نترسید! و روایاتی که می‌فرماید: «بزرگ‌ترین جهاد، کلام حقی است که نزد حاکم ستمگری زده شود»^(۲) و «حق را بگویند گرچه بر علیه شما باشد»^(۳)؛ الهام بخش جرأت و جسارت در انجام تکلیف الهی است. بنابراین، روایاتی که می‌گویند: «امر به معروف زمانی است که انسان بر جان خود و دوستانش نترسد»^(۴) مخصوص مواردی باشد که قانون اهم و مهم مطرح است؛ یعنی منکر در حدی نیست که ارزش فدا کردن جان را داشته باشد.

اصلاً امر به معروف در دسر دارد و لذا لقمان به پسرش می‌گوید: فرزندم! نماز به پا دار و امر به معروف و نهی از منکر نما و در انجام این وظیفه بر آنچه به تو رسد، صبر و تحمل کن که این پشتکاری نیاز به صلابت و عزم و اراده‌ای قوی دارد.^(۵)

حمایت از آمرین به معروف

خلیفه سوم، عثمان، دستور تبعید ابوذر، یار وفادار رسول خدا را به ریزه صادر کرد و گفت: هیچ کس نباید ابوذر را بدرقه کند! اما امیرالمؤمنین، امام حسن و امام حسین علیهما السلام سکوت را شکسته و

۱. سوره احزاب، آیه ۳۷.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۰۶.
۳. غررالحکم.
۴. بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۲۲۸ و ۳۵۷.

۵. سوره لقمان، آیه ۱۷.

به حمایت از این امر به معروف به پا خاستند و او را بدرقه کردند. به هنگام بدرقه، هر سه بزرگوار به ابوذر دلداری دادند و سخنانی فرمودند. حضرت علی علیه السلام فرمود: «ای اباذر! تو برای خدا غضب کردی و فریاد زدی. اینها از افشاگری تو و از دست دادن حکومت ترسیدند؛ ولی تو هم از گناه سکوت ترسیدی و فریاد زدی. فردای قیامت معلوم خواهد شد که برنده کیست.» ابوذر در ریزه غریبانه و در حالی که سرش در دامن دخترش بود، جان سپرد.

اگر مشکلات پیش آمد، چه کنیم؟

از یک سو قرآن می‌فرماید: «خداوند برای شما آسانی خواسته است و نه سختی»^(۱) و از سوی دیگر، امر و نهی در برخی موارد موجب درگیری و ضرر می‌شود، پس چه باید کرد؟ پاسخ: اولاً خود قرآن فرموده است: «در این راه، هر مشکلی به تو رسید، تحمل کن!»^(۲)

ثانیاً: انبیا و اولیا در راه زنده کردن حق و محو باطل، آن همه سختی کشیدند. قرآن می‌فرماید: «حوادث تلخی که برای شما پیش می‌آید، با وجود تلخی و نگرانی برای شما، برکاتی نیز دارد زیرا وسیله‌ای برای توبه و استغفار شماست»^(۳). بنابراین، باید بنگریم که هر کجا مسأله‌ای اهم بود، هر چیزی هرچه

۱. سوره بقره، آیه ۱۸۵.

۲. سوره لقمان، آیه ۱۷.

۳. سوره انعام، آیه ۴۲.

هم مهم باشد، فدای آن شود. برای مثال، حفظ اسلام مهم‌تر از جان امام حسین علیه السلام است، لذا آن حضرت شهید می‌شود تا اسلام زنده بماند.

آمران به معروف را دوست بداریم!

یکی از انتقاداتی که انبیا به بعضی از مردم داشتند، این بود که: «شما ناصحین را دوست ندارید؟»^(۱)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «بهترین دوستان من کسی است که عیوب مرا به عنوان هدیه به من تذکر دهد»^(۲).

امام سجاد علیه السلام در دعای مکارم الاخلاق چنین می‌فرماید: «پروردگارا! به من روحیه انتقاد پذیری مرحمت فرما تا از کسانی که مرا ارشاد می‌کنند، پیروی کنم»^(۳).

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «از علامات سقوط و عقب‌گرد، مظنون شدن به کسانی است که برای ما دلسوزی می‌کنند».

و فرمود: «هر کس تو را موعظه کرد، او را به وحشت نینداز»^(۴).

این منافقان بودند که هرگاه مورد نهی از منکر قرار می‌گرفتند، با غرور می‌گفتند: در جامعه تنها ما مصلح هستیم^(۵).

و این کفار بودند که هرگاه انبیا آنان را ارشاد می‌فرمودند، به جای پذیرش می‌گفتند: هدف انبیا فخر فروشی بر ماست!!^(۶)

برادر و خواهر، اگر تذکری به شما می‌دهند، سرسختی نکن! تکبر بود که شیطان را از درگاه خدا دور کرد.

۱. سوره اعراف، آیه ۷۹. ۲. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۲۸۲.
 ۳. دعای مکارم الاخلاق. ۴. غررالحکم.
 ۵. سوره بقره، آیه ۱۱. ۶. سوره مؤمنون، آیه ۲۴.

درس پنجم

عوامل نپذیرفتن

امر و نهی

عوامل نپذیرفتن امر و نهی

الف: عوامل درونی

۱- جهل

کودکانی که از والدین خود اطاعت نمی کنند، به خاطر آن است که اسرار کلام والدین را نمی فهمند. انبیا به مردم منحرف می گفتند: «شما جاهلید و گرنه در برابر ما این همه سرسختی نشان نمی دادید».^(۱)

۲- تعصب

تعصب، زمانی مفید و مثبت است که پافشاری بر اهداف و آرمانهای مقدس و مستدل باشد، ولی اکثر تعصبات، ریشه ملی و قومی و حزبی و نژادی و شغلی و ... دارد و بر پایه موهومات و رسومات و پندارهای فردی و اجتماعی است.

تعصب، دودی است که جلو دید چشم را می گیرد و فرد هیچ حقیقتی جز راه و رسم خود نمی پذیرد.

خداوند می فرماید: اگر ما این کتاب را بر غیر عرب نازل می کردیم،

۱. سوره اعراف، آیه ۶۴؛ انعام، ۱۱۱؛ هود، ۲۹؛ زمر، ۶۴ و احقاف، ۲۳.

عرب‌ها به خاطر تعصب نابجا تسلیم نمی‌شدند.^(۱)

۳- تکبر

سرچشمه تکبر، سن و علم و مال و شکل و قبيله و مقام و حزب و فرزند و امثال آنهاست.

شخصی به محضر امام آمد و گفت: «من از لباس فاخر و منزل و مرکب خوب استفاده می‌کنم، آیا این نشانه تکبر است؟»

حضرت فرمود: «نشانه تکبر آن است که حرف حق را نپذیری.»^(۲) آری چه بسیارند فقراي متکبر و اغنیای پذیرنده.

۴- لقمه حرام

امام حسین علیه السلام روز عاشورا به لشگریان یزید فرمود: «دلیل آنکه امر به معروف و نهی از منکر در شما اثر نمی‌کند آن است که شکم‌های شما از حرام پر شده است.»^(۳)

ب: عوامل بیرونی

۱- تبلیغات سوء

یکی از شیوه‌های مخالفان آن است که شخصیت پاکان و صالحان را در جامعه مخدوش کنند تا امر و نهی آنها بی اثر شود.

تبلیغات سوء کار را به جایی می‌رساند که مردم، انبیا را مجنون و ساحر؛ یوسف علیه السلام را متهم؛ حضرت علی علیه السلام را واجب القتل؛ امام حسین علیه السلام را شورشی؛ و خدمت به یزید را عبادت دانستند.

۱. سوره شعراء، آیه ۱۹۸ و ۱۹۹. ۲. کافی، ج ۲، ص ۳۱۱.

۳. بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۸.

۲- تعارضات تربیتی

تعارض میان مدرسه و منزل در مسائل دینی و تربیتی باعث می‌شود تا فرزند دچار سردرگمی شود. در مدرسه با نماز آشنا می‌شود اما در خانه والدینش نماز نمی‌خوانند.

تعارض میان سفارش به صرفه‌جویی در سخن و اسراف در عمل، اعتقاد شنونده را نسبت به گوینده کم می‌کند.

۳- طاغوت‌ها

در قرآن، بارها جمله «يُضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» به کار رفته است. افرادی که مانع راه خدا می‌شوند معمولاً طاغوت‌ها هستند، البته سرمایه داران دنیا طلب و با دوستان فاسد یا والدین و همسر و استاد و مشاوران ناباب نیز مصداق این آیه می‌باشند.

۴- مشکلات اقتصادی

قرآن در دعوت مردم به عبادت، می‌فرماید:

«فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ أَمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ»^(۱)؛

«مردم باید بنده خدا باشند؛ او آنان را از گرسنگی و ناامنی نجات داد.» در اینجا، خداوند تأمین نیازهای اولیه مردم را زمینه دعوت آنان به عبادت قرار داده است.

۱. سوره قريش، آیه ۳ و ۴.

درس ششم

وظایف آمران به معروف

و

ناهیان از منکر

وظایف آمران به معروف و ناهیان از منکر

از آیات قرآن استفاده می‌شود که کسانی در امر به معروف موفق‌ترند که :

۱. اهل توبه و سجده و رکوع و قیام باشند.^(۱)
۲. هرگز توقع مادی از مردم نداشته باشند.^(۲)
۳. گفتار و بیانشان؛

الف: حق و دلپسند باشد؛ ﴿لِيَهِيَ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ﴾^(۳)

ب: به بهترین بیان باشد؛ مخاطب مسلمان باشد یا غیرمسلمان؛

﴿قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾^(۴)

در قرآن، از ناسزاگفتن به مشرکین نهی شده است؛ زیرا آنان نیز ممکن است به مقدسات ما ناسزا بگویند؛ ﴿لَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا﴾^(۵)

۴. سخنشان منطقی باشد؛ در سراسر قرآن، کلمات برهان و بینه بارها به چشم می‌خورد؛ حتی از کفار می‌خواهد تا اگر منطقی دارند، عرضه کنند.^(۶)

۵. از تحقیر دیگران بپرهیزند و به خاطر انجام منکر توهینی نکنند.

- | | |
|---|-----------------------|
| ۱. سوره توبه، آیه ۱۱۲. | ۲. سوره هود، آیه ۲۹. |
| ۳. سوره فاطر، آیه ۱۰. | ۴. سوره بقره، آیه ۸۳. |
| ۵. سوره انعام، آیه ۱۰۸. | |
| ۶. سوره بقره، آیه ۱۱۱؛ انبیاء، ۲۴؛ نمل، ۶۴ و قصص، ۷۵. | |

۶. از کلمات عاطفی، نرم و محبت‌آور استفاده کنند.

قرآن، انبیا را برادر مردم معرفی می‌کند^(۱) و این تعبیر، بهترین اهرم برای جذب مردم است.

خداوند به موسی و هارون علیهم‌السلام می‌فرماید، هنگامی که نزد فرعون رفتید، با او به نرمی سخن بگوئید.^(۲)

دوری از قضاوت عجولانه

امام صادق علیه‌السلام برای مهمان خود خرمای مرغوبی آورد. مهمان این آیه از قرآن را خواند: ﴿فَمَ لَتَسْتَلْنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾^(۳) از این نعمت‌ها در قیامت، مورد بازخواست قرار خواهید گرفت.

گویا به نظرش آمد که خرمای به این خوبی، چرا در منزل امام است. امام فرمود: مراد از نعمتی که در قیامت مورد بازخواست واقع می‌شود، نعمت رهبری و ولایت است، نه خرما.^(۴)

میان‌روی

بر اساس روایات، باید در امر و نهی میان‌رو بود و از هرگونه خود کم‌بینی و ضعف یا خشونت و تندروی پرهیز نمود.^(۵)

محبوبیت و نفوذ کلام

از امام صادق علیه‌السلام سوال شد: آیا امر به معروف و نهی از منکر بر همه واجب است؟ امام فرمود: این کار بر شخصی واجب است که مورد

۱. سوره شعراء، آیه ۱۴۲.

۲. سوره طه، آیه ۴۴.

۳. روایت ذیل تفسیر آیه فوق آمده است.

۴. سوره تکاثر، آیه ۸.

۵. وسائل‌الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۰۳.

احترام و اطاعت دیگران باشد و نسبت به معروف، علم و بصیرت داشته باشد، نه بر کسانی که خود در انتخاب راه متحیرند.^(۱)

کسب آگاهی

حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: هیچ تلاش و حرکتی نیست، مگر اینکه انسان در آن محتاج به شناخت باشد.^(۲)

ابوحنیفه با امام صادق علیه‌السلام هم غذا شد. امام فرمود: خداوندا! این نعمت‌ها از تو و پیامبرت می‌باشد.^(۳)

ابو حنیفه گفت: نعمت‌ها از خداست. چرا رسول را اضافه می‌کنید؟ آیا این نوعی شرک نیست؟

امام فرمود: خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾^(۴) خداوند و پیامبرش مردم را بی‌نیاز کردند.

روزی یک صوفی زاهدنما به امام صادق علیه‌السلام گفت: چرا شما لباسهای نرم و لطیف پوشیده‌اید؟ به خدا سوگند که پیامبر این گونه لباسها را نمی‌پوشید.

امام لباس خود را کنار زد و فرمود: من زیر این لباس، لباس خشن پوشیده‌ام. لباس خشن زیر را برای خدا و اینکه نفس من رفاه طلب نباشد، و لباس رو را برای آراستگی میان مردم پوشیده‌ام.^(۵)

در اینجا حدیث جالبی را نقل می‌کنیم تا بدانیم که امر به معروف و نهی از منکر کار ساده‌ای نیست و هر کسی نمی‌تواند با هر شناختی که

۱. بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۹۳.

۲. الحیة، ج ۱، ص ۳۷.

۳. بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۲۴۰.

۴. سوره توبه، آیه ۷۴.

۵. وسائل‌الشیعه، ج ۳، ص ۳۵۱.

دارد و با هر شیوه‌ای که می‌پسندد، این کار را انجام دهد.

در حدیث حسینی می‌خوانیم:

«صاحبُ الأمرِ بالمعروفِ یحتاجُ الی ان یکونَ عالماً بالخلال و الحرام»

«کسی که امر به معروف می‌کند، باید دین شناس باشد و حلال و

حرام را بداند».

«فارغاً من خاصّة نفسه» «گرفتار نفس خود نباشد». اگر حرفی می‌زند

و یا گامی برمی‌دارد، برای اصلاح جامعه و رضای خدا باشد و نه مطرح

کردن خود.

«ناصرحاً للخلق» «خیرخواه مردم باشد و انگیزه او، سوز درونی و

غیرت دینی باشد».

«رحیماً رفیقاً بهم» «با مردم مهربان و رفیق باشد و تا ضرورت پیش

نیاید، خشونت نکند».

«داعیاً لهم باللطف» «با لطافت و محبت، مردم را به کار خیر و خوبی

دعوت کند».

«حسن البیان» «گفتارش نیکو باشد».

«عارفاً بتفاوت اخلاقهم» «بداند که هر کس خلق و خوبی دارد و با

هرکس باید طور خاصی سخن گفت».

«بصیراً بمکر النفس» «از حیله‌های نفسانی آگاه باشد» تا مبادا در

قالب امر به معروف و نهی از منکر به اهداف شومی کشیده شود.

«صابراً» «اگر در راه امر به معروف و نهی از منکر ضربه‌ای دید،

مأیوس نشود و پشتکار داشته باشد».

«لا یکا فیهم و لا یشکو منهم» «اگر از مردم آزاری دید، انتقام نگیرد و

شکایتی نکند».

«لا یستعمل الحمیة» «در کار تعصّب قومی و قبیله‌ای نداشته باشد».

«لا یغتاظ لنفسه» «غیظ او برای نفس نباشد»، بلکه برای خدا و

ارتکاب کار زشت توسط دیگران باشد. نه اینکه چرا شأن و مقام مرا

مراعات نکرد.^(۱)

با عمل خود، مردم را دعوت کنیم

در قرآن، بارها از کسانی که مردم را به حق دعوت می‌کنند، ولی

خود را فراموش کرده‌اند، انتقاد شدید شده است. «لِمَ تَقُولُونَ مَا

لَا تَفْعَلُونَ»^(۲)

در روایات می‌خوانیم: با عمل خود مردم را به راه حق دعوت

کنید. «کونوا دعاة الناس باعمالکم»^(۳)

برای مثال مسؤولان مملکتی باید در صف اول نماز جمعه و

جماعات حاضر باشند، تا نمازخانه‌ها و مساجد پر شود.

سؤال: فقها می‌گویند: امر به معروف و نهی از منکر واجب است گرچه

انسان به آنچه می‌گوید، عمل نمی‌کند. ولی در آیات و روایات از

کسانی که به گفتار خود عمل نکنند، انتقاد شدید شده است؟

پاسخ: انتقاد قرآن و روایات از کسانی است که به طور کلی میان گفتار

و کردارشان تفاوت است؛ یعنی برنامه زندگی و رفتار آنان خلاف

است، ولی در جامعه قیافه مصلح و آمر به معروف دارند.

۱. بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۸۳. ۲. سوره صف، آیه ۲.

۳. بحارالانوار، ج ۵، ص ۱۹۸.

فتوای فقها این است که لازم نیست به تمام فرامین خدا عمل کنید تا واجد شرائط امر به معروف باشید.

گروهی نزد پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمدند و گفتند: تا ما به همه احکام عمل نکنیم، امر به معروف نمی‌کنیم.

حضرت فرمود: امر به معروف کنید؛ گرچه به همه آنچه می‌گویید، عمل نمی‌کنید و نهی از منکر کنید گرچه از همه منکرات دوری نمی‌کنید.^(۱)

سؤال: اگر مردم مخالفت کردند، چه کنیم؟

پاسخ: اولاً: سنت و برنامه خداوند بر آزاد گذاشتن مردم است.^(۲) لذا پیامبر می‌فرماید: من وکیل شما نیستم.^(۳)

بنابراین، معنای تذکر شما، قبول حتمی مردم نیست.

ثانیاً: باید به مردم فرصت داد. زیرا کسانی که مدت‌ها در راهی رفته‌اند، یکدفعه نمی‌توانند از راه خود دست بردارند.

ثالثاً: گاهی باید صبر کنیم تا حساسیت طرف از بین برود، درست مثل دندانپزشکی که اگر دندان درد کند، آن را نمی‌کشد.

رابعاً: ممکن است اگر شیوه را عوض کنیم، او بپذیرد.

و فراموش نکنیم که اگر مردم اعتنایی نکنند، پاداش ما در نزد خداوند محفوظ است.

۱. میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۷۴

۲. سوره دهر، آیه ۲.

۳. سوره انعام، آیه ۶۶.

از کار خلاف انتقاد کنیم، نه از شخص

در قرآن می‌خوانیم که پیامبران به مردم می‌گفتند: «إِنِّي لَعَمَلِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ»^(۱) «من با عمل شما مخالف هستم»، نه با خود شما.

اگر خلافکار احساس کند که شخصیت دارد و محبوب است و تنها نقطه ضعف او کار خلافتش است، براحتی آن را ترک می‌کند.

اما اگر احساس کند که انسانی منفور، مردود و مطرود است، هر روز به تباهی خود می‌افزاید. شخصی از امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَام پرسید: یکی از

یاران شما شراب خورده است. آیا از او تبری جوییم؟ امام فرمود: از کارش تبری جوئید (نه از خودش).^(۲)

به حداقل اکتفا کنیم

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در روزهای اول دعوت خود، مردم را تنها به یک جمله سفارش می‌فرمود: «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلِحُوا» بگوئید جز خدای یکتا معبودی نیست، تا رستگار شوید.

حکم روزه، زکات و جهاد در اسلام، بعد از گذشت پانزده سال از بعثت پیامبر نازل شد.

در قرآن می‌خوانیم: چون خداوند مردم را ضعیف دید، قانون خود را تخفیف داد.^(۳)

در روایات آمده است که یک نفر مسیحی، مسلمان شد. رفیق مسلمانش سحرگاه به منزل او رفت و گفت: الآن وقت نماز شب است.

۱. سوره شعراء، آیه ۱۶۷.

۲. بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۱۳۷.

۳. سوره انفال، آیه ۶۶.

او را از خواب بیدار کرد و به مسجد برد و به نماز شب واداشت. همین که اذان صبح شد، گفت: اکنون وقت نماز صبح است. و بعد، نماز ظهر و عصر را خواندند؛ در حالی که می‌گفت، نباید از نمازها و دعای نافله و مستحبات غافل شد. این مسلمان چنان با نماز و دعا، وقت مسیحی تازه مسلمان را پر کرد که روز بعد گفت: اگر اسلام این است، همان بهتر که مسیحی باشم.

به سراغ کشف منکر نرویم

بعضی به سراغ کشف عیوب و گناهان دیگران می‌روند تا او را نهی از منکر کنند، در حالی که قرآن با کمال صراحت، تجسس را تحریم کرده است.^(۱)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

لغزهای مؤمنان را پیگیری نکنید که هر کس این‌گونه باشد، خداوند علاوه بر آخرت، در همین دنیا او را افتضاح خواهد کرد.^(۲)

نهی از منکر نه حسادت

ریشه برخی انتقادات، عقده‌ها و حسادت‌هاست.

قرآن خطاب به پیامبر می‌فرماید: بعضی از مردم درباره تقسیم زکات به تو انتقاد می‌کنند؛ ولی اگر مقداری از زکات به خود آنان بدهی، راضی می‌شوند و انتقادی نمی‌کنند؛ اما در صورتی که ندهی، عصبانی می‌شوند.^(۳)

۱. سوره حجرات، آیه ۱۲.

۲. مستدرک، ج ۷، ص ۸۱.

۳. سوره توبه، آیه ۵۸.

درس هفتم

صفات و شرایط آمران و ناهیان

صفات و شرایط آمر و ناهی

۱. با اراده باشد

قرآن می‌فرماید: امر به معروف و نهی از منکر نیاز به عزم و اراده قوی دارد.^(۱) لذا نباید این کار را بر اساس قهر و صلح مردم تنظیم کرد.

۲. برای خدا باشد

قرآن می‌فرماید: ریشه بعضی از انتقادهای، مسائل شخصی است.^(۲) اگر امر و نهی برای خدا باشد مؤثرتر است؛ زیرا حرف صاف بر دل صاف می‌نشیند.

۳. سعه صدر

دعوت به حق و امر به معروف و نهی از منکر، کار انبیاست و مشکلات انبیا را نیز خواهد داشت. انبیا تهمت‌ها را با صبر و سعه صدر پشت سر می‌گذاشتند. آنان به کسانی که می‌گفتند: ما تو را سفیه می‌بینیم، می‌فرمودند: در من سفاهتی نیست.^(۳) یا در برابر نسبت گمراهی می‌فرمودند: در من گمراهی نیست.^(۴) گذشت از لغو، از صفات برجسته مؤمنان است.^(۵)

۱. سوره لقمان، آیه ۱۷. ۲. سوره توبه، آیه ۵۸.
 ۳. سوره اعراف، آیه ۶۶. ۴. سوره اعراف، آیه ۶۱.
 ۵. سوره فرقان، آیه ۷۲.

۴. حسن خلق و نرمخویی

کسی که امر و نهی می‌کند، بدیها را با خوبی دفع می‌کند.^(۱) و اهل انتقام و غیظ نیست.^(۲)

از لغزش مردم در هنگام عذرخواهی بگذریم که این، نشانه جوانمردان تاریخ است. همین که برادران یوسف از او عذرخواهی کردند، فرمود: امروز ملامتی بر شما نیست.^(۳)

توجه به همه جوانب

در کتاب الغدير می‌خوانیم: شخصی از دیوار خانه مردم بالا رفت تا ببیند که افراد آن خانه چه می‌کنند. همین که دید مشغول شراب خوردن هستند، از بالای بام نهی از منکر کرد.

صاحبخانه به او گفت: من یک منکر انجام دادم و آن اینکه شراب خوردم؛ ولی تو گرفتار چند منکر شدی؛ تجسس و ورود به حریم خانه مردم و ارباب، منکرهایی بود که تو مرتکب شدی.^(۴)

هرگز خود را بهتر ندانیم

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: ای بنده خدا! در عیبجویی کسی به خاطر گناهانش، شتاب مکن! چه بسا آن گناه بخشیده شود. و درباره خود، حتی از گناه کوچکی که انجام داده‌ای، خود را در امان ندان؛ زیرا چه بسا که به خاطر آن عذاب شوی.^(۵)

کسی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند، مانند پزشکی است که به مداوای مریض می‌پردازد. چه بسا مریض بهبود یابد و سالها عمر کند؛ ولی خود پزشک در حادثه‌ای جان دهد.

از کجا شروع کنیم؟

۱- خود

قرآن می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا آنچه را می‌گوئید عمل نمی‌کنید؟^(۱)

و در جای دیگری می‌فرماید: آیا مردم را به نیکی سفارش می‌کنید، در حالی که خودتان را فراموش می‌کنید؟^(۲)

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: تا خودم کاری را انجام ندهم، شما را به آن سفارش نمی‌کنم و تا خودم از کاری دوری نکنم، شما را از آن باز نمی‌دارم.^(۳) البته، عمل، رمز موفقیت است و نه رمز وجوب.

۲- خانواده

قرآن می‌فرماید: ای پیامبر! اول دختران و همسرانت را سفارش کن و آن گاه زنان دیگر را.^(۴)

قرآن در ستایش یکی از انبیا می‌فرماید: او خاندان و بستگان خود را به نماز سفارش می‌فرمود.^(۵)

البته گاهی همسر و فرزند قابلیت هدایت ندارند، ولی دیگران حرف

۱. سوره صف، آیه ۳. ۲. سوره بقره، آیه ۴۴.
 ۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵. ۴. سوره احزاب، آیه ۵۹.
 ۵. سوره مریم، آیه ۵۵.

۱. سوره رعد، آیه ۲۲. ۲. سوره آل عمران، آیه ۱۳۴.
 ۳. سوره یوسف، آیه ۹۲. ۴. الغدير، ج ۶، ص ۱۲۱.
 ۵. نهج البلاغه، خطبه ۱۴۰.

حق را می‌پذیرند. نمونه آن، پسر نوح و همسر لوط است.

۳- نسل نو

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: روح نوجوان همچون زمین خالی است و آموزش نوجوان مانند نقش بر سنگ، ماندگار است.^(۱)
در روایات می‌خوانیم: به سراغ نسل نو بروید، زیرا که آنان زودتر از دیگران به سوی خیر گرایش پیدا می‌کنند.^(۲)

۴- همسایگان

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چرا مردم همسایگان خود را آموزش نمی‌دهند؟ موعظه نمی‌کنند؟ امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کنند؟ و چرا همسایگان حاضر نمی‌شوند آموزش ببینند؟^(۳)

نقش حکومت

گاهی اوقات منکرات در سطح وسیعی مطرح است که جز با حرکت دولت، امکان نهی از آن نیست.
البته وظیفه حکومت تنها در این موارد نیست؛ بلکه باید از آمرین به معروف و ناهیان از منکر که طبق وظیفه فردی نیز تذکر می‌دهند، حمایت کند.

همکاری دولت و مردم همیشه کارساز بوده است و هیچ یک به تنهایی توفیق کامل را به دست نخواهند آورد. لذا برای اجرای احکام

نورانی اسلام باید حکومت اسلامی در کار باشد؛ وگرنه بسیاری از احکام که نیاز به قدرت دارد، به زمین خواهد ماند. آری! ولایت فقیه یک ضرورت برای اجرای احکام الهی است.

وظایف حکومت در امر به معروف و نهی از منکر مخصوص به چند نمونه نیست. حکومت وظیفه دارد معروف‌های سیاسی اجتماعی را احیا و از منکرات اقتصادی اجتماعی جلوگیری کند.

اینها نمونه‌هایی از وظایف حکومت است:

کنترل نرخها و جلوگیری از هرج و مرج بازار؛
جلوگیری از واسطه‌های کاذب که وسیله گران‌شدن جنس هستند؛
نظارت بر قراردادهای جلوگیری از سوء استفاده‌هایی که در تنظیم اسناد می‌شود.

دقت در توزیع عادلانه، حفظ بیت‌المال و شناسایی امین‌ترین افراد برای سپردن بیت‌المال به آنها.
استفاده بهینه از منابع طبیعی.

ایجاد شغل مفید برای بیکاران و آموزش دادن کارگران ساده برای بهتر نتیجه گرفتن از منابع طبیعی و فنی؛ زیرا اشتغال، بزرگ‌ترین معروف و بیکاری زمینه انواع منکرات است.

سالم‌سازی محیط

محیط و جامعه در گرایش‌های فکری و اخلاقی افراد نقش مهمی دارد. از جمله:

۱. در تاریخ بنی اسرائیل می‌خوانیم: «همین که با معجزه موسی علیه السلام از

۱. نهج‌البلاغه، نامه ۳۱. ۲. وسائل‌الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۴۸.

۳. کنز‌العمال، ج ۳، ص ۶۸۴.

رود نیل گذشتند، گروهی بت پرست را دیدند. فوراً تحت تأثیر قرار گرفتند و از موسی خواستند که حضرت برای آنان بت قرار دهد تا عبادت کنند.»^(۱)

۲. حضرت ابراهیم علیه السلام یک تنه تبر به دست گرفت، وارد بتکده شد و همه بت‌ها را شکست. سپس تبر را به گردن بت بزرگ آویخت.^(۲)

۳. موسی به سامری گفت: «به خدا سوگند که گوساله طلایی تو را آتش می‌زنم و خاکسترش را به دریا می‌ریزم.»^(۳)

۴. ماجرای مسجد ضرار؛ منافقان در مدینه با وجود مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله مسجد دیگری ساختند تا در سایه نام مسجد، نیروهای خود را تمرکز دهند و با دشمنان خارجی ارتباط برقرار کنند. آنها برای به رسمیت شناخته شدن مسجدشان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دعوت کردند به امامت خویش، نماز جماعتی در آنجا برگزار کند.

حضرت که در آستانه جنگ تبوک بودند، پاسخ مثبتی ندادند. پس از آنکه رفتند و برگشتند، مردم را برای خراب کردن مسجدی که مرکز تجمع منافقین بود، بسیج کردند. از این ماجرا در قرآن به اشاره ذکر شده است.

از چهار نمونه‌ای که از قرآن نقل کردم، می‌توان چنین نتیجه گرفت که برای اجرای نهی از منکر باید ابتدا، مراکز و انسانهای فتنه خیز را از جامعه حذف کرد؛ زیرا بدون محو کردن آنها، نهی از منکر، مبارزه با معلول و رها کردن علت‌هاست.

۱. سوره اعراف، آیه ۱۳۸.

۲. سوره انبیاء، آیه ۵۸.

۳. سوره طه، آیه ۹۷.

نظام و حکومتی که بنا دارد امر به معروف و نهی از منکر را احیا کند، باید برای سالم‌سازی محیط گام‌هایی بردارد؛ از جمله:

۱- تبلیغ در مورد ازدواج آسان و دادن وام ازدواج به جوانها.

۲- تفکیک مراکز دختر و پسر در همه مقاطع تحصیلی، پارک‌ها، مکانهای عمومی، بیمارستانها و حتی مراکز خدماتی (تا آنجا که امکان دارد)؛ تا زنان بتوانند با لباس ساده مشغول به کار شوند و مردان نیز مزاحمتی نداشته باشند.

۳- جلوگیری از تولید فیلم‌ها، نوارها، کتاب‌هایی که در آنها زمینه‌های انحراف و فساد و ابتذال زیاد است؛ بخصوص بستن بعضی شرکت‌ها، بوتیک‌ها و مؤسسات منحرف و یا جلوگیری از ارائه لباسها و ...

۴- دقت در گزینش افراد تا مهره‌های وابسته و فتنه‌گر، میدانی برای رشد افکار خود نداشته باشند. بخشی از این اقدامات بحمدالله در سایه جمهوری اسلامی انجام شده و امید است که کامل شود.

۵- از آنجا که حیا مانع بسیاری از گناهان و نداشتن حیا زمینه ساز انواع منکرات است، مسؤولان نظام باید اصل حیا را در تار و پود جامعه مراعات کنند تا میدانی برای رشد خلافکاران پیدا نشود.

از جمله، دولت اجازه ساختن ساختمان‌هایی را که ساکنان آن به طور طبیعی حیا را از دست می‌دهند، به کسی ندهد. آری! در ساختمان‌هایی که فرد در درون خانه خود همه جای خانه همسایه را می‌بیند، حیایی نمی‌ماند.

امام حسن و امام حسین علیهما السلام کودکانی بودند که با شلوار بلند وارد فرات شدند. شخصی به آن دو عزیز گفت: «لباس شما خراب شد.»

این دو عزیز در پاسخ او فرمودند: «خراب شدن شلوار بهتر از خراب شدن دین و حیا است.»^(۱)

۶- اسلام برای سالم‌سازی محیط، تربیت کودکان و مدیریت داخلی خانه را به زن سپرده است و تا حد امکان با سپردن کارهای مفید در محل آرام خانه، زن را از خارج شدن بدون دلیل و دور از چشم شوهر نهی فرموده است. البته، هر کجا که نیاز باشد، به زن اجازه خروج داده است؛ از جمله رفتن به مکه بدون شوهر.

آنچه محیط را فاسد می‌کند، رها شدن، بی‌بندوباری و بی‌هدفی است؛ وگرنه اسلام به زن اجازه آموختن و آموزش، شرکت در انتخابات، داشتن استقلال اقتصادی و سیاسی، شرکت در عالی‌ترین کنگره‌های علمی، نوشتن انواع مقالات تخصصی و تربیتی و علمی را داده است.

قرآن به آشنایی با تاریخ زنان نمونه همچون آشنایی با تاریخ مردان نمونه سفارش کرده است.

در قرآن همان گونه که می‌خوانیم: «وانکر فی الكتاب ابراهیم»^(۲)، «وانکر فی الكتاب موسی»^(۳)؛ همچنین می‌خوانیم: «وانکر فی الكتاب مریم»^(۴)؛ همان گونه که مرد می‌تواند الگو و اسوه باشد، قرآن، همسر فرعون را الگو و نمونه تاریخ بشر قرار داده است.

۱. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۳۲۰.

۲. سوره مریم، آیه ۴۱.

۳. سوره مریم، آیه ۵۱.

۴. سوره مریم، آیه ۱۶.

درس هشتم

شیوه‌های امر به معروف

و

نهی از منکر

شیوه‌های امر به معروف و نهی از منکر

اهمیت شیوه‌ها

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هر که امر به معروف می‌کند، باید شیوه‌اش نیز معروف باشد».^(۱)

قرآن می‌فرماید: نیکی در این نیست که از بی‌راهه به خانه‌ها وارد شوید، نیکی در این است که از راه آن وارد شوید.^(۲)

امام باقر علیه السلام ذیل این آیه فرمود: خانه‌ها را از راهش وارد شوید؛ یعنی هر کاری را از راهش انجام دهید!

آری، برای هر معروف و منکری، از هر شخصی در هر مکانی و هر زمانی، شیوه‌ای خاص لازم است که اگر مراعات نشود، امکان دارد اثر منفی دهد.

شیوه آئینه‌وار

حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «المؤمن مرآة المؤمن» مؤمن آئینه مؤمن است. اگر در این حدیث کوتاه دقت کنیم، نکاتی درباره شیوه امر به معروف درک می‌کنیم؛ از جمله:

- ۱- آئینه از روی صفا عیب را می‌گوید، نه از روی انتقام، غرض و کینه.
- ۲- آئینه زمانی عیب را نشان می‌دهد که خودش گرد و غبار زده نباشد.

۱. کنز العمال، حدیث ۵۵۲۳. ۲. سوره بقره، آیه ۱۸۹.

۳- آئینه مراعات مقام و مدال را نمی‌کند.

۴- آئینه عیب را بزرگتر از آنچه هست، نشان نمی‌دهد.

۵- آئینه همراه با نشان دادن عیب، نقاط قوت را نیز نشان می‌دهد.

۶- آئینه عیب را روبه‌رو می‌گوید نه پشت سر.

۷- آئینه عیب را بی سر و صدا می‌گوید.

۸- آئینه عیب را در دل نگه نمی‌دارد و همین که از کنارش رد شدی، عیب از صفحه او پاک می‌شود.

۹- آئینه را اگر شکستی، خرده‌های آن هم زشت و زیبا را نشان می‌دهد.

مؤمن را اگر شکستی و تحقیر کردی، باز دست از حرفش بر نمی‌دارد.

۱۰- اگر آئینه عیب مرا گفت، باید خودم را اصلاح کنم؛ نه آنکه آئینه را بشکنم. آری! اگر مسلمانی نهی از منکر کرد، شما گناه را از خود دور

کن و به انتقاد کننده اعتراض نکن.

ای غزالی گریزم از یاری که اگر بد کنم نکو گوید

مخلص آن شوم که عیبم را همچو آئینه رو به رو گوید

نه که چون شانه با هزار زبان پشت سر رفته، مو به مو گوید

توجه دادن به کرامت و ارزش انسان

اگر انسان بداند که جانشین خداست^(۱)

اگر انسان بداند که فرشتگان بر او سجده کرده‌اند^(۲) او موجودی

است که روح خدا در او دمیده شده است؛^(۳) تنها موجودی است که

۱. سوره بقره، آیه ۳۰.

۲. سوره حجر، آیه ۳۰.

۳. سوره حجر، آیه ۲۹.

خداوند در آفرینش او خود را ستوده است؛^(۱) همه چیز را به تسخیر او درآورده است؛^(۲) در آفرینش، بهترین شکل را به او عطا کرده است؛^(۳) برای او، انبیا و کتب آسمانی فرستاده است؛^(۴) او را موجودی فناپذیر قرار داده است،^(۵) ارزش او بهشت است و نه کمتر؛ خداوند انواع فضیلت‌ها و کرامت‌ها را به او مرحمت کرده است.^(۶)

اگر انسان به این کرامت‌ها و مقامات توجه کند، هرگز خود را به کارهای زشت آلوده نخواهد کرد.

راستی! چرا عمر ما چراگاه شیطان باشد؟ ما که جانشین خدائیم، چرا با دشمن خدا قرین باشیم؟

حضرت علی علیه السلام فرمود: کسی که کرامت و ارزش خود را شناخت، دنیا و هوسها نزد او ناچیز می‌شود.^(۷)

خاطره

شخصی به نام شقرانی در زمان امام صادق علیه السلام مرتکب شراب‌خواری شد. امام صادق علیه السلام به او فرمود: ای شقرانی! کار زشت از هر کس که سرزند، زشت است؛ ولی اگر از تو سرزند، زشت تر است؛ همان گونه که کار نیکو از هر کس نیکوست؛ ولی اگر از تو سرزند، نیکوتر است. این به خاطر جایگاه تو است. تو از وابستگان ما هستی. پس، قدر خود را بدان!^(۸)

۱. سوره مؤمنون، آیه ۱۴.

۲. سوره لقمان، آیه ۲۰.

۳. سوره تین، آیه ۴.

۴. سوره مزمل، آیه ۱۵.

۵. بحارالانوار، ج ۶، ص ۲۴۹.

۶. سوره اسراء، آیه ۷۰.

۷. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۳.

۸. بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۳۴۹.

شیوه‌های امر و نهی

۱. آماده‌سازی

سخن حق، همچون شکر است؛ اگر شکر را به همین شکل در گلوی کسی بریزیم، امکان دارد خفه شود. باید شکر را با آب مخلوط کرده تا تبدیل به شربت شود و برای همه افراد قابل استفاده و تحمل شود.

از خاطرم نمی‌رود زمانی که می‌خواستم درباره‌ی روایات کفن در تلویزیون صحبت کنم، فکر کردم که بعضی مردم تحمل شنیدن این‌گونه حرفها را ندارند. پس، زمینه را این‌گونه آماده کردم که: از نیازهای عمومی و همگانی، نیاز به لباس است. اسلام برای هر فصل و زمان و کاری لباس در نظر گرفته و دستوراتی داده است؛ مثل لباس کودک، لباس کار، لباس جنگ، لباس نماز عید، لباس نماز باران، لباس احرام و حج، لباس عروس، لباس دادن به برهنه‌ها، نظافت لباس، وصله کردن لباس، رنگ لباس، دوخت لباس، جنس لباس و ...

و برای هر یک از عناوین هم حدیثی و نکته‌ای گفتم. کم‌کم مردم را برای شنیدن بحث آخرین لباس (کفن) و روایات کفن آماده کردم. ولی اگر از ابتدا می‌گفتم: موضوع بحث امروز کفن است، شاید میلیونها نفر تلویزیون را خاموش می‌کردند.

۲. تلقین

چه بسیارند افرادی که از انجام معروف هراس دارند و چه بسیارند کسانی که جدا شدن از بعضی منکرات را برای خود محال می‌پندارند، در صورتی که تلقین صحیح و بیان نمونه‌ها در این زمینه کارگشا

خواهد بود.

۳. استفاده از هنر، شعر و طنز

نقش هنر در دعوت مردم به فساد و انحراف، بر کسی پوشیده نیست. سامری با هنر مجسمه‌سازی توانست مردم را منحرف و بنی‌اسرائیل را گوساله‌پرست کند.

زیباگویی، فصاحت و بلاغت، بهترین اهرم برای جذب مردم است؛ همان‌گونه که قیافه‌ی زیبا و موزون نقش مهمی در تأثیر کلام دارد. در قرآن، امر شده است که هنگام رفتن به مسجد، زینت‌های خود را با خود بردارید.^(۱)

سخن زیبا و مجادله‌ی نیکو از سفارشهای قرآن کریم است.^(۲) یکی از نامهای قرآن، احسن القصص است. آری، قصه‌گویی یک هنر است.

۴. انصاف در برخورد

قرآن کریم در نهی از شراب، اول از منافع مادی و مالی آن سخن گفته است و بعد می‌فرماید: «ضررش از نفعش بیشتر است».^(۳) خداوند در برخورد با کافران و منافقان و مشرکان، همواره از عبارت «اکثرهم» استفاده می‌کند، یعنی همه آنان را نفی نمی‌کند بلکه می‌فرماید: بیشتر آنها چنین هستند. در برخورد با خلفاکاران نیز باید ابتدا نقاط قوت و مثبت آنها را بگوییم و سپس آنها را متذکر کنیم.

۲. سوره نحل، آیه ۱۲۵.

۱. سوره اعراف، آیه ۳۱.

۳. سوره حج، آیه ۱۳.

۵. امید دادن

گاهی انسان گنهکار با خود می‌گوید: دیگر از ما گذشته است، ما دیگر راهی برای بازگشت نداریم. ما دیگر جهنمی شده‌ایم. این گونه افراد هر روز به گناه بیشتری گرفتار می‌شوند.

چون قامت ما برای غرق است در کم و زیاد او چه فرق است باید به آنها از عفو الهی و از پذیرفتن توبه و لطفی که خداوند به توبه‌کنندگان دارد بگوییم و خاطراتی از توبه‌کنندگان بیان کنیم تا گناه، او را به یأس نکشاند. باید به او تذکر داد که یأس از گناهان کبیره است.

۶. تغافل

گاهی باید انسان خود را به غفلت بزند و تظاهر کند که من متوجه خلاف تو نشدم تا از این طریق شخصیت افراد شکسته نشود. قرآن می‌فرماید: برادران یوسف که پس از ده‌ها سال او را دیدند و نشناختند، به او گفتند: ما قبلاً برادری داشتیم به نام یوسف که دزد بود. یوسف خود را به تغافل زد و نگفت که آن برادر من هستم و چرا به من نسبت دزدی می‌دهید.^(۱)

البته تغافل در مورد خلاف‌های شخصی، جزئی و فردی است؛ و گرنه در مسائل مهم که دشمنان و کفار برای براندازی نظام اسلامی نقشه می‌کشند، تغافل بزرگ‌ترین خواست دشمن است.^(۲)

۷. توجه به ظرفیت افراد

امام صادق علیه السلام شخصی را برای مأموریتی به منطقه‌ای فرستاد. او

۱. سوره یوسف، آیه ۷۷. ۲. سوره نساء، آیه ۱۰۲.

در گزارش خود به امام، از مردم منطقه به شدت انتقاد کرد. امام فرمود: ایمان ده درجه دارد. بعضی یک درجه ایمان دارند و بعضی دو درجه، بعضی هم هفت تا ده درجه. نباید کسانی که ایمان کامل‌تری دارند، از دیگران توقع بیش از ظرفیت داشته باشند.^(۱)

در شیوه تبلیغ انبیا می‌خوانیم که می‌فرمودند: ما مأموریم طبق ظرفیت افراد با آنان صحبت کنیم.^(۲)

۸. کنایه گویی

قرآن به حضرت عیسی علیه السلام می‌فرماید: آیا تو به مردم گفتی که من و مادرم را خدا بگیرد؟!^(۳)

در جای دیگر، خداوند پیامبر صلی الله علیه و آله را مخاطب قرار داده و می‌فرماید: اگر پدر یا مادرت نزد تو به پیری رسیدند، تو با آنان درشتی نکن!^(۴) در حالی که همه می‌دانیم حضرت عیسی مردم را به توحید دعوت می‌کرد و پیامبر اسلام در کودکی پدر و مادر خود را از دست داده بود. این گونه خطاب‌ها در حقیقت به مردم است.

۹. ایجاد محبت

در بخش مهمی از قرآن، خداوند نعمت‌های خود را می‌شمارد تا عشق انسان را نسبت به خود زیاد کند.

قرآن که مردم را امر به عبادت می‌کند، می‌فرماید: پروردگار کعبه را

۱. بحارالانوار، ج ۶۶، ص ۱۶۸. ۲. بحارالانوار، ج ۲، ص ۶۹.

۳. سوره مائده، آیه ۱۱۶. ۴. سوره اسراء، آیه ۲۳.

پرستش کنید؛ زیرا او شما را از گرسنگی و ترس نجات داد.^(۱)

نمونه‌هایی از سیره پیامبر اکرم ﷺ درباره جذب دلها:

۱. هرگاه سه روز یکی از یاران را نمی‌دید، به سراغش می‌رفت.^(۲)
۲. از مریض‌ها در دورترین نقطه شهر عیادت می‌کرد.^(۳)
۳. مردم را با بهترین نام صدا می‌زد. حتی نام زنان و کودکان را با کرامت می‌برد.^(۴)

در تاریخ زندگی اهل بیت علیهم السلام نیز خاطرات فراوانی به چشم می‌خورد که یک نمونه از آن را نقل می‌کنیم:

مردی شامی به امام حسن مجتبیٰ علیه السلام جسارت کرد. حضرت، ایشان را به منزل بردند و چنان مورد تفقد قرار دادند که او از حرفهای خود شرمند شد.^(۵)

در روایات می‌خوانیم: با هر کس که با تو قطع رابطه کرد، ارتباط برقرار کن و هر کس به تو بدی کرد، تو با او خوبی کن.^(۶)

۱۰. تحریک عواطف

شخصی به مادرش تندی کرد. روز بعد، امام صادق علیه السلام او را دید و به او فرمود: چرا با مادرت تندی کردی؟ مگر نمی‌دانی که شکم مادرت منزل تو بود؟ دامان مادرت گهواره تو بود؟ شیر مادرت غذای تو بود؟ سپس فرمود: پس با او خشن نباش.^(۷)

۱. سوره قریش، آیه ۳ و ۴.
۲. بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۱۵۱.
۳. بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۲۵.
۴. سنن النبی، ص ۱۵۲.
۵. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۳۴۴.
۶. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۱۵۷.
۷. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۷۶.

۱۱. مخفیانه و مختصر باشد

در حدیث می‌خوانیم: هر کس برادر دینی خود را مخفیانه موعظه کند، او را آراسته کرده، ولی هر کس آشکارا موعظه کند، او را شرمند کرده است.^(۱)

گر نصیحت کنی، به خلوت کن

که جز این، شیوه نصیحت نیست

هر نصیحت که برملا باشد

آن نصیحت به جز فضیحت نیست

در حدیث می‌خوانیم:

هرگاه کسی را موعظه می‌کنی؛ خلاصه بگو!^(۲)

۱۲. نمایاندن الگوها

معرفی چهره‌های موفق و تجلیل از آنها، در دعوت مردم به معروف نقش مؤثری دارد. این که هر سال مردم در عاشورا فریاد «یا حسین» سر می‌دهند، زمینه دوری از پذیرش طاغوت‌ها و وفاداری به نظام اسلامی می‌شود.

قرآن می‌فرماید: مردم دنیا از همسر فرعون درس بگیرند که چگونه جذب مال و مقام و قدرت فرعون نشد.^(۳)

در جای دیگری می‌فرماید: از حضرت ابراهیم و حضرت محمد علیه السلام

درس بگیرید؛ زیرا این دو بزرگوار اسوه و الگو هستند.^(۴)

۱. بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۷۴.
۲. غررالحکم.
۳. سوره تحریم، آیه ۱۱.
۴. سوره احزاب، آیه ۲۱.

۱۳. تدریج

همان‌گونه که شیطان انسان را گام به گام به سوی فساد می‌کشانند،^(۱) راه اصلاح و امر به معروف نیز باید گام به گام باشد.

در قرآن، در مورد تحریم ربا این مراحل به چشم می‌خورد: در مرحله اول، قرآن می‌فرماید: آنچه به مال شما از طریق ربا اضافه می‌شود، نزد خدا افزایش نیست.^(۲)

در مرحله دوم، قرآن، رباخواری را از عادات زشت یهودیان می‌شمارد.^(۳)

در مرحله سوم، قرآن، انسان را از ربای مضاعف و زیاد نهی می‌کند.^(۴)

در مرحله چهارم، قرآن، ربا گرفتن را به منزله اعلام جنگ با خدا می‌داند.^(۵)

۱۴. تکرار

چون برنامه اسلام تنها آموزش نیست، بلکه تربیت هم هست، لذا اوامر و نواهی باید تکرار شود. برای هر غفلت، یک تذکر لازم است. شما در نماز ده‌ها بار جمله «اللَّهُ اکبر» را در رکوع و سجود و قیام تکرار می‌کنید.

یاد خدا غذای روح است و باید همچون غذای جسم تکرار شود.

۱. سوره بقره، آیه ۱۶۸.

۲. سوره روم، آیه ۳۹.

۳. سوره نساء، آیه ۱۶۱.

۴. سوره آل عمران، آیه ۱۳۰.

۵. سوره بقره، آیه ۲۷۹.

۱۵. مماشات

حضرت ابراهیم علیه السلام برای نهی از بزرگ‌ترین منکر (شرک) از راه مدارا و مماشات وارد شد و گام به گام به انتقادات خود اضافه کرد.

بار اول فرمود: خورشید غروب می‌کند و من غروب شدنی را دوست ندارم. ﴿إِنِّي لَا أُحِبُّ الْآفَلِينَ﴾^(۱)

بار دوم فرمود: ماه پرستی انحراف است و خدا مرا گرفتار آن نکند. ﴿لَئِن لَّمْ يَهْدِنِي رَبِّي...﴾^(۲)

بار سوم فرمود: من بیزارم از هر چه که شما شریک خدا می‌دانید. ﴿إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ﴾^(۳)

۱۶. حکمت، موعظه، جدال نیکو

قرآن کریم به پیامبر عزیز می‌فرماید: از طریق حکمت و منطق یا موعظه و نصیحت و یا جدال نیکو مردم را به راه خدا دعوت کن!^(۴)

در امر به معروف و نهی از منکر باید روی مسائلی تکیه کرد که قابل خدشه نباشد. به سخنان محکمی که مورد قبول همه است، حکمت گفته می‌شود.

مراد از موعظه حسنه، موعظه‌ای است که بر اساس محبت و با بیان نیکو باشد و در زمان و مکان مناسب با شیوه‌های صحیح انجام شود.

و مراد از مجادله نیکو نیز پذیرفتن نقاط قوت دیگران و استدلال و مقابله به مثل در شیوه‌هاست.

۱. سوره انعام، آیه ۷۶.

۲. سوره انعام، آیه ۷۷.

۳. سوره انعام، آیه ۷۸.

۴. سوره نحل، آیه ۱۲۵.

۱۷. ریشه مفاسد را بخشکانیم

قرآن می‌فرماید: «سوء ظن نبرید و تجسس نکنید»؛^(۱) زیرا سوء ظن، سرچشمه تجسس و تجسس، سرچشمه غیبت می‌شود. اگر قرآن، زنان را از پایکوبی^(۲) و یا گفتار همراه با ناز و کرشمه و تحریک آمیز^(۳) نهی می‌کند، به خاطر خشکاندن سرچشمه گناه است. در مسائل سیاسی و اجتماعی نیز برای اصلاح دولت‌ها باید دولتمردان اصلاح شوند و برای اصلاح نسل نو، باید خانواده‌ها اصلاح شوند.

قرآن می‌فرماید: با رهبران کفر مبارزه کنید.^(۴)

۱۸. احترام به ارزشهای دیگران

قرآن کریم، به تورات و انجیل و انبیای گذشته احترام می‌گذارد و مراکز عبادت سایر ادیان را محترم می‌شمارد؛ حتی برای حفظ آن، دفاع را لازم می‌داند.^(۵) در سفارش‌های اسلامی نیز آمده است: «بزرگان هر قوم را احترام کنید»^(۶)

۱۹. با انجام معروف، زمینه را بر منکر تنگ کنیم

قرآن می‌فرماید: «راه جلوگیری از فحشا و منکر، انجام معروفی همچون نماز است».^(۷) هنگامی که خداوند می‌خواهد حضرت آدم را از غذایی منع کند،

۱. سوره حجرات، آیه ۱۲.

۲. سوره نور، آیه ۳۱.

۳. سوره احزاب، آیه ۳۲.

۴. سوره توبه، آیه ۱۲.

۵. سوره حج، آیه ۴۰.

۶. مستدرک، ج ۸، ص ۳۹۵.

۷. سوره عنکبوت، آیه ۴۵.

ابتدا اجازه بهره‌برداری از غذاهای دیگر را به او می‌دهد و می‌فرماید: «از هر غذایی در بهشت استفاده کن؛ ولی از این غذا استفاده نکن!»^(۱) تفریح و ورزش از معروف‌هایی است که جلو بسیاری از مفاسد، امراض و منکرات را می‌گیرد.

زهد و عدالت مسئولان مملکتی، از معروف‌هایی است که می‌تواند جلو بزرگ‌ترین منکرات را که بدبینی به حکومت اسلامی است، بگیرد.

۲۰. توجه به زمان

در روایات می‌خوانیم: هنگام مسافرت، خانواده خود را به تقوی سفارش کنید؛^(۲) زیرا در آستانه جدایی، علاقه‌ها اوج می‌گیرد و زمینه پذیرش در انسان زیاد می‌شود.

در حدیث می‌خوانیم: به هنگام خشم و غضب، کسی را ادب نکنید؛ زیرا در معرض افراط هستید».^(۳)

در قرآن نیز نسبت به استغفار در سحر مکرر سفارش شده است.^(۴)

۲۱. اعراض

قرآن می‌فرماید: «هر گاه کسانی را دیدی که در آیات ما به یاهو سرائی نشستند، پس به عنوان اعتراض، مجلس آنان را ترک کن! یا مسیر حرف را تغییر ده! و اگر شیطان تو را به فراموشی انداخت، تا

۱. سوره بقره، آیه ۳۵.

۲. مستدرک، ج ۸، ص ۱۲۲.

۳. بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۱۰۲.

۴. سوره ذاریات، آیه ۱۸.

متوجه شدی جلسه را ترک کن و با ستمگران منشین». (۱)
 در حدیث می‌خوانیم: «سزاوار نیست که مؤمن در مجلس گناهی که
 نمی‌تواند آن را تغییر دهد، بنشیند». (۲)
 پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: گناهکاران را با قیافه عبوس ملاقات
 کنید! (۳)

۱. سوره انعام، آیه ۶۸.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۰۳.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۱۳.

درس نهم

انواع معروف‌ها در قرآن

انواع معروفها در قرآن

در بخش‌های قبلی گفتیم که برای امر به معروف و نهی از منکر لازم است ابتدا معروفها و منکرها را بشناسد تا کار او براساس آگاهی و شناخت باشد.

در این بخش، انواع معروفهای فردی و اجتماعی را که قرآن بر آنها تاکید داشته و دعوت دیگران به انجام آن را لازم شمرده، خلاصه‌وار مطرح می‌کنیم.

اقامه نماز

اولین معروفی که قرآن به آن سفارش فرموده و آن را نشانه ایمان به خدا می‌شمرد، نماز است.

چنانکه در آغاز سوره بقره می‌فرماید: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ» پرهیزکاران به غیب ایمان دارند و نماز بر پا می‌دارند. نه فقط در اسلام، بلکه در همه ادیان آسمانی، نماز جایگاه ویژه‌ای دارد. خداوند حضرت موسی را به انجام این معروف بزرگ فرمان می‌دهد و می‌فرماید: «اقم الصلوة لذكرك»^(۱) ای موسی! نماز را به پای دار تا یاد من در تو زنده شود.

قرآن نیز پیامبر اسلام را مأمور می‌کند تا خانواده‌اش را به نماز

۱. سوره طه، آیه ۱۴.

دعوت کند: ﴿و امر اهلک بالصلوة﴾^(۱) هر مسلمانی نیز وظیفه دارد علاوه بر آنکه خود نماز می خواند، دیگران را نیز به نماز سفارش کند، دوستان، همکاران، فرزندان و همسر خود را.

رسیدگی به محرومان

دستورات اسلام، به نماز و روزه و قرآن و دعا و دیگر وظایف فردی محدود نمی شود، بلکه بخش عمده‌ای از دستورات دین، مربوط به جامعه و مسائل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آن است که یک مؤمن باید ابتدا این معروف‌های مورد نظر دین را بشناسد، تا هم خود عمل کند و هم دیگران را به آن دعوت کند.

از مهم‌ترین دستورات اجتماعی اسلام، رسیدگی به محرومان و نیازمندان در همه ابعاد زندگی است.

خمس و زکات دو واجب مالی است که هر مؤمنی را ملزم می‌کند بخشی از درآمد خود را صرف نیازهای جامعه و نیازمندان کند. در تمام قرآن، هر جا نامی از نماز آمده، زکات نیز ذکر شده است تا مؤمنان گمان نکنند با ادای نماز تکلیفشان تمام می‌شود. ﴿یقیمون الصلوة و یؤتون الزکاة﴾^(۲)

حتی اگر کسی خود توان کمک به نیازمندان را ندارد باید دیگران را به این کار تشویق و تحریص کند و این خود یک وظیفه است. قرآن از زبان اهل دوزخ چنین بیان می‌کند که می‌گویند: ﴿و لایحض علی طعام

۱. سوره طه، آیه ۱۳۲. ۲. سوره توبه، آیه ۷۱.

المسکین﴾^(۱) ما دیگران را به اطعام مستمندان تشویق نمی‌کردیم.

احسان و نیکوکاری

نه فقط نسبت به محرومان جامعه، بلکه نسبت به همه افراد جامعه باید انسان روحیه احسان و نیکوکاری داشته باشد.

مورد واجب آن، احسان به والدین است که قرآن می‌فرماید: ﴿و بالوالدین احسانا﴾^(۲) لذا خدمت به پدر و مادر و نیکی به آنها در هر شرایطی لازم است، چه مؤمن باشند و چه کافر، چه محتاج باشند و چه نباشند.

در مورد دیگر افراد جامعه نیز اسلام سفارش‌های متعددی کرده که همه نشانه توجه اسلام به روحیه تعاون و همکاری در میان افراد جامعه است. از جمله این دستورات، وام دادن به یکدیگر است که خداوند خود را گیرنده وام معرفی کرده تا وام دهنده احساس کند به خدا وام می‌دهد و بر این کار تشویق شود. ﴿من ذا الذی یقرض الله قرضاً حسناً﴾^(۳)

اصلاح ذات البین

افراد جامعه در مقابل اختلاف‌ها و نزاع‌هایی که میان برخی مردم وجود دارد مسئولیت دارند و باید میان آنها را اصلاح کنند و آشتی دهند. خداوند مؤمنان را به این امر سفارش نموده و می‌فرماید: ﴿و اصلحوا ذات بینکم﴾^(۴) البته قرآن برای پیشگیری از بروز چنین

۱. سوره حاقه، آیه ۳۴. ۲. سوره بقره، آیه ۸۳.

۳. سوره بقره، آیه ۲۴۵. ۴. سوره انفال، آیه ۱.

اختلاف‌هایی همواره مؤمنان را به عفو و گذشت از یکدیگر سفارش نموده و می‌فرماید: شما که می‌خواهید خداوند از شما بگذرد، چرا خودتان از یکدیگر نمی‌گذرید. ﴿وَلِيَعْفُوا وَلِيَصْفَحُوا أَلَا تَحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ﴾^(۱)

بنابراین هر یک وظیفه داریم با گذشت از خطای یکدیگر، صلح و صفا را در جامعه حاکم سازیم و اگر در میان دیگران نیز کینه و کدورتی وجود دارد نسبت به رفع آن اقدام کنیم.

عدالت ورزی

جامعه اسلامی بر قسط و عدل بنا می‌گردد و مهم‌ترین شرط حاکم اسلامی، عدالت‌ورزی است. مؤمنان نیز باید به عدالت رفتار کنند و با یکدیگر برخورد عادلانه داشته باشند. نه فقط به دیگران ظلم نکنند، بلکه زیر بار ظلم هم نروند. ﴿لَا تَظْلَمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ﴾^(۲)

خداوند همواره مؤمنان را به این معروف بزرگ سفارش کرده و می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾^(۳) و پیامبر را نیز مأمور ساخته تا این فرمان الهی را به گوش مردم برساند: ﴿قُلْ أُمِرْتُ بِالْقِسْطِ﴾^(۴)

ازدواج و تشکیل خانواده

انسان نیاز به انس و محبت دارد و این نیاز طبیعی در بستر خانواده به صورت سالم و کامل برآورده می‌شود. لذا اسلام آحاد جامعه را

۱. سوره نور، آیه ۲۲.

۲. سوره بقره، آیه ۲۷۹.

۳. سوره نحل، آیه ۹۰.

۴. سوره اعراف، آیه ۲۹.

مأمور ساخته تا نسبت به ازدواج دختران و پسران جوان اقدام نموده و آنان را به عقد یکدیگر در آورند.

نه فقط پدر و مادر، بلکه مسئولان جامعه نیز در این امر مسئولیت دارند و هر کس بتواند قدمی در این راه بردارد باید اقدام کند. ﴿وَأَنْكَحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ﴾^(۱)

ازدواج، معروفی است که پیامبر همواره مردم را به آن سفارش کرده و آن را بیمه انسان از بسیاری گناهان دانسته است. طبیعی است که امر به این معروف بزرگ، تنها سفارش زبانی به ازدواج نیست، بلکه باید گام‌هایی عملی برای این امر برداشت.

حیا و عفت

قرآن از یکسو با تشویق جوانان به ازدواج، زمینه بسیاری از گناهان را در جامعه از بین می‌برد و از سوی دیگر پیامبرش را مأمور می‌سازد تا به دختران و همسران خود و زنان مؤمن، سفارش کند با ناز و کرشمه سخن نگویند، با حیا راه بروند و پای بر زمین نکوبند، مواضع زینت خود را برای مردان نامحرم آشکار نسازند و از مختلط شدن با مردان بپرهیزند. ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَازِجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ...﴾^(۲)

همچنین مردان مؤمن را فرمان می‌دهد که نگاه خود را به زنان نامحرم کوتاه کنند و از چشم‌پیرانی بپرهیزند. ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغْضُؤْنَ مِنْ أَبْصَارِهِمْ﴾^(۳)

۱. سوره نور، آیه ۳۲.

۲. سوره احزاب، آیه ۵۹.

۳. سوره نور، آیه ۳۰.

آری، در جامعه اسلامی به همان میزان که به زنان باید گفت حجاب خود را حفظ کنید، باید به مردان گفت چشمان خود را کنترل کنید.

صبر و استقامت

انسان در انجام تکالیف خود، گاهی دچار تنبلی و سستی می‌شود. یکی از وظایف مؤمن آن است که همواره دیگران را به صبر و پایداری در انجام وظایف دینی سفارش کند تا این تذکرات موجب شود فرد از کوتاهی پرهیزد. چنانکه در سوره والعصر، سفارش به صبر از ویژگی‌های مؤمنان شمرده شده است. ﴿تَوَاصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَاصُوا بِالصَّبْرِ﴾^(۱)

البته صبر در برابر مصیبت‌هایی که به انسان می‌رسد و یا صبر در برابر معصیت‌هایی که انسان می‌تواند مرتکب شود، از دیگر مصادیق صبر است که در قرآن و روایات، سفارش دیگران به صبر در این موارد نیز مطرح شده است.

احیای مراکز دینی

در فرهنگ اسلامی حتی عبادت و نیایش نیز به صورت جمعی صورت می‌گیرد و مسلمانان سفارش شده‌اند که نمازهای خود را به جماعت و در مسجد بجای آورند.

هر هفته روزهای جمعه به نماز جمعه بروند، در پایان یک ماه روزه‌داری، نماز عید فطر را به جماعت باشکوه برگزار کنند. زیارت خانه خدا را همراه با دیگر مسلمانان از دیگر نقاط جهان در ایام حج

۱. سوره عصر، آیه ۳.

بجا آورند و در یک کلمه در هر محله و منطقه‌ای، مکانی به نام خدا برای او احداث کنند تا مؤمنان در آنجا گردهم آیند و زمینه‌های الفت و محبت و همکاری میان آنها فراهم شود.

لذا قرآن از یک سو به احداث و احیای مساجد سفارش نموده و از سوی دیگر از مؤمنان خواسته با بهترین لباس و به بهترین شکل در مراسم نماز جماعت حضور یابند. در زمان رسول خدا و جانشینان پس از ایشان، مسجد، مرکز مشورت با مردم، اعزام نیرو برای جهاد با دشمنان، قضاوت میان مردم، رسیدگی به محرومان و حتی محل خواندن خطبه عقد ازدواج بوده است.

طبیعی است احیای این معروفها، به تذکر و توصیه و سفارش مؤمنان به یکدیگر نیاز دارد تا هر کس به هر مقدار که می‌تواند در جهت این امر بزرگ اقدام نماید.

وحدت و اطاعت

حفظ و بقای یک جامعه، نیازمند وحدت و یکدلی افراد آن جامعه است. تفرقه و تشتت، یک جامعه را از درون می‌پاشد و ناآرامی و ناآرامی را بدنبال دارد. لذا قرآن همواره مؤمنان را به وحدت سفارش کرده و می‌فرماید: ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا﴾^(۱) به ریسمان محکم الهی چنگ زنید و دچار تفرقه نشوید.

البته وحدت باید بر پایه اطاعت از خدا، رسول خدا و حاکمان برگزیده خدا باشد و گرنه کافران نیز بر باطل خود اتحاد و اتفاق دارند.

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۰۳.

قرآن در این زمینه می‌فرماید: ﴿اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولى الامر منكم﴾^(۱) هر یک از مؤمنان موظف است رابطهٔ اخوت و برادری را که خداوند میان مؤمنان برقرار نموده و فرموده ﴿انما المؤمنون اخوة﴾^(۲) حفظ کرده و دیگر افراد جامعه را نیز به این معروف مهم اجتماعی دعوت کند تا جامعه دچار تفرقه نشود.

۱. سوره نساء، آیه ۵۹.

۲. سوره حجرات، آیه ۱۰.

درس دهم

انواع منکرها در قرآن

انواع منکرها در قرآن

منکر چیست؟

منکر یعنی کاری که عقل و دین، آن را زشت و ناپسند بدانند، بر خلاف معروف که یعنی: کاری که در عرف افراد متدین، پسندیده و نیک شمرده شود.

منکرات را نمی‌توان شماره کرد، زیرا در همه امور زندگی یافت می‌شود.

در رانندگی، بوق زدن بی‌جا، گاز دادن نابجا و پارک نابجای اتومبیل، منکر است. ریختن آشغال در کوچه و خیابان، سدّ معبر، سیگار کشیدن، بلند کردن صدا و آزار دادن همسایه، ترساندن همسر و فرزند، تبعیض میان فرزندان، ندادن حقوق زیر دستان و دهها نمونه دیگر که هر روز خواسته یا ناخواسته مرتکب آنها می‌شویم ولی چون آنها را منکر نمی‌دانیم در صدد عذرخواهی از دیگران و اصلاح خود بر نمی‌آییم.

البته همه منکرات در یک سطح نیستند. بعضی جنبه زیر بنایی و کلیدی دارند و بعضی روبنایی و در درجه چندم اهمیت هستند. اکنون بعضی منکرات زیر بنایی را فهرست وار بیان می‌کنیم:

الف. منکرات اعتقادی

خرافات

در میان مردم، خرافات بسیاری وجود دارد که ریشه منطقی و عقلی ندارد، مثل اعتقاد به نحس بودن عدد سیزده که هیچ دلیلی ندارد، اما گاهی خرافات به اسم دین است که ناشی از جهل مردم نسبت به معارف دینی می‌باشد.

در این موارد وظیفه دانشمندان دینی، بیان حقایق برای رفع خرافات از جامعه است، زیرا در غیر این صورت، مطالب درست دین نیز بخاطر این خرافات مورد بی‌اعتنایی نسل جوان قرار گرفته و کم‌کم اعتقاد مردم نسبت به اصل دین سست می‌شود.

قرآن، در سوره انعام به شدت با خرافات زمان پیامبر اسلام مبارزه می‌کند و می‌فرماید: به چه دلیل گوشت برخی از حیوانات را بر خود حرام می‌کنید و برخی را حلال، مگر از جانب خدا دلیلی دارید.

تبعیض در احکام دین

یکی از مهم‌ترین اصول دین، تسلیم بودن در برابر احکام و دستورات الهی است. اما متأسفانه برخی جوانان و خصوصاً قشر تحصیل‌کرده می‌گویند: ما باید فلسفه و دلیل هر حکمی را بدانیم تا آن را عمل کنیم. هر چه را که فهمیدیم عمل می‌کنیم و هر چه را که نفهمیدیم عمل نمی‌کنیم و در واقع میان دستورات خدا تبعیض روا می‌دارند و به فهم خود عمل می‌کنند نه به دستورات خدا! در حالی که لازم نیست ما دلیل هر حکمی را بدانیم تا به آن عمل کنیم. همین که

خدا را عادل و حکیم بدانیم و این حکم را از جانب او بدانیم، کافی است که به دستور او عمل کنیم. درست مثل عمل به نسخه پزشک که وقتی او را پزشک ماهری دانستیم، هر چه گفت عمل می‌کنیم، اگر چه دلیل دستوراتش را ندانیم.

قرآن، تبعیض در احکام دین را نشانه افراد منافق دانسته سخن آنها را چنین نقل می‌کند که می‌گویند: «نؤمن ببعض و نکفر ببعض»^(۱).

ب. منکرات اجتماعی

مدپرستی و تقلید کورکورانه

مدپرستی، نشانه خودباختگی، برهنگی فرهنگی و بی‌توجهی به هویت ملی و دینی است.

از نظر فقهی، تشبّه به کفار حرام است؛ زیرا یک نوع خودباختگی در برابر فرهنگ ضد دینی است. در روایات می‌خوانیم: حتی در پوشیدن لباس و نوع غذا مستقل باشید و از بیگانگان تقلید نکنید!^(۲)

شرکت در جلسات گناه

قرآن می‌فرماید: "هرگاه در مجلسی حضور یافتید که آیات خدا مورد انکار و مسخره قرار گرفته است، آن مجلس را ترک کنید."^(۳) زیرا سکوت و سازش شما، به پاه‌سرایان جرأت هرگونه توهین و جسارت به مقدسات مذهبی را می‌دهد.

۱. سوره نساء، آیه ۱۵۰.

۲. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۳۸۵.

۳. سوره نساء، آیه ۱۴۰.

تهمت و آبروریزی

از جمله منکرات اجتماعی، توهین و تحقیر، فحش و ناسزا، غیبت و تهمت و آبروریزی است.

قرآن این گونه رفتار نسبت به دیگران را نشانه افراد جهنمی دانسته و درباره اهل دوزخ می‌فرماید: "هر گروه که به جهنم داخل می‌شوند، به گروه دیگر لعنت و نفرین می‌کنند؛ ﴿كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعْنَتْ أُخْتَهَا﴾^(۱)

پیروی از شخصیت‌های کاذب

در قرآن آیات فراوانی مردم را از پیروی از مفسدین،^(۲) مسرفین،^(۳) گنهکاران،^(۴) فرومایگان،^(۵) جاهلان،^(۶) هوسبازان،^(۷) غافلان^(۸) و کافران بازداشتته است. برعکس، شخصیت‌های واقعی را انبیا، صدیقین، شهدا و صالحان^(۹) دانسته و بر هر مسلمانی واجب کرده است که در هر نماز پیروی خود را از خط آنان اعلام کند و بگوید: ﴿اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین انعمت علیهم﴾

سوءظن و تجسس و غیبت

قرآن با صراحت می‌فرماید: "بعضی گمان‌ها گناه است."^(۱۰)

سوءظن، زمینه تجسس و تجسس، زمینه غیبت و غیبت، مهم‌ترین عامل برای گسستن محبت‌ها، پیوندها و اعتمادهاست.

۱. سوره اعراف، آیه ۳۸.

۲. سوره بقره، آیه ۶.

۳. سوره شعراء، آیه ۱۵۱.

۴. سوره انسان، آیه ۲۴.

۵. سوره قلم، آیه ۱۰.

۶. سوره یونس، آیه ۸۹.

۷. سوره انعام، آیه ۳۵.

۸. سوره اعراف، آیه ۲۰۵.

۹. سوره نساء، آیه ۶۹.

۱۰. سوره حجرات، آیه ۱۲.

سعایت

قرآن می‌فرماید:

"هرکس بین دو مسلمان فتنه‌گری، سخن‌چینی، میانجی‌گری بد، ایجاد کدورت و پرده‌داری کند، برای او سهمی از کیفر است."^(۱)

بی تفاوتی

در حدیث می‌خوانیم: "اگر کسی ناله مظلومی را بشنود و به او پاسخ ندهد، مسلمان نیست."^(۲)

قرآن می‌فرماید: "چرا برای نجات مستضعفان قیام نمی‌کنید؟"^(۳) البته، این بی تفاوتی نسبت به جامعه است؛ اما گاهی انسان نوعی بی تفاوتی درونی نسبت به خود پیدا می‌کند که در برابر دیده‌ها و شنیده‌ها عبرت نمی‌گیرد، سنگدل می‌شود، قطره اشکی هم ندارد. قرآن بارها از این گروه انتقاد کرده است؛ ﴿وَإِذَا ذُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ﴾^(۴)

اشاعه فحشا

نه تنها اشاعه فحشا بلکه علاقه به آن هم گناه بزرگی است؛ درحالی که علاقه به هیچ گناهی (تا مادامی که انجام نگرفته) گناه نیست.^(۵)

چاپلوسی و غلو

در نهج البلاغه می‌خوانیم: "ستایش بیش از حد، تملق و کمتر از حد، نشانه حسادت است."^(۶)

۱. سوره نساء، آیه ۸۵.

۲. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۳۳۹.

۳. سوره نساء، آیه ۷۵.

۴. سوره صافات، آیه ۱۳.

۵. سوره نور، آیه ۱۹.

۶. نهج البلاغه، حکمت ۳۴۷.

البته این در مورد چاپلوسی نسبت به افراد عادی است؛ و گرنه ستایش افراد ستمگر، به گفته حدیث، عرش خدا را به لرزه در می‌آورد.^(۱)

ج. منکرات خانوادگی

بروز آلودگی و خلافتکاری در خانواده، سرچشمه فساد و تبه‌کاری در آینده می‌شود.

از مهم‌ترین منکرات خانوادگی، سوء استفاده از سرمایه همسر، مهریه‌های زیاد، توقع مراسم و تشریفات بیش از حد و دخالت‌های نابجای بستگان عروس و داماد است.

حضرت شعیب رضی الله عنه وقتی خواست دخترش را به حضرت موسی رضی الله عنه بدهد، دو نوع مهریه را پیشنهاد کرد و سپس فرمود: "انتخاب یکی از مهریه‌های پیشنهادی باشماست؛ زیرا من بناندارم بر تو سخت بگیرم و تو را به مشقت بیندازم."^(۲)

از دیگر منکرات خانوادگی، بی‌توجهی به فرزندان و تبعیض میان آنهاست؛ همان‌گونه که شوخی‌های نابجا، انتقادات ناصحیح و خدای ناکرده سخنان ناروای والدین در حضور فرزندان و یا دروغ‌هایی که والدین به یکدیگر می‌گویند و فرزند آن را می‌فهمد، هر یک آثار شومی در تربیت فرزندان و سرنوشت آینده آنها خواهد داشت.

۱. بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۵۲. ۲. سوره قصص، آیه ۲۷.

د. منکرات اقتصادی

منکرات اقتصادی بسیار است که ما به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم:

□ ربا که به منزله اعلام جنگ با خداست.^(۱)

□ گران‌فروشی، غش در معامله، فروش جنس معیوب و احتکار.

□ کم‌فروشی که قرآن می‌فرماید:

﴿وَيْسَلُ لِمُطَفِّفِينَ﴾^(۲) "وای بر کم‌فروشان!" و سپس در ادامه

می‌فرماید: "مگر ایمان به معاد ندارید که کم‌فروشی می‌کنید؟"^(۳)

البته کم‌کاری کارمندان و معلمان نیز مثل کم‌فروشی بازاریان است.

□ رشوه

در حدیث می‌خوانیم: "رشوه‌دهنده و رشوه‌گیرنده هر دو در آتش هستند."^(۴)

ه. منکرات نظامی

غفلت از دشمن

قرآن در این زمینه می‌فرماید: کفار دوست دارند که شما از اسلحه و امکاناتی که دارید، غافل باشید تا با یک یورش شما را نابود کنند.^(۵)

حضرت علی رضی الله عنه می‌فرماید: تعجب می‌کنم که شما نسبت به دشمن

خواب و غافل هستید، ولی دشمن نسبت به شما بیدار است.^(۶)

۱. سوره بقره، آیه ۲۷۹. ۲. سوره مطفین، آیه ۱.

۳. سوره مطفین، آیه ۴ و ۵. ۴. کنز العمال، حدیث ۱۵۰۷۷.

۵. سوره نساء، آیه ۱۰۲. ۶. نهج البلاغه، خطبه ۳۴.

فرار از جبهه

قرآن می‌فرماید: "جز آنها که برای تهیه ساز و برگ نبرد باز می‌گردند، یا آنها که به یاری گروهی دیگر می‌روند، هرکسی که پشت به دشمن کند، مورد خشم خدا قرار می‌گیرد و جایگاه او جهنم است که بدجایگاهی است."^(۱)

قرآن خطاب به پیامبر می‌فرماید: "بر جنازه کسانی که از شرکت در جبهه سرباز زدند، نماز مگذار و حتی بر سر قبر آنها مرو!"^(۲)

نافرمانی از فرماندهی

در قرآن می‌خوانیم: "مؤمنان واقعی کسانی هستند که به خدا و پیامبرش ایمان آورده‌اند و هرگاه با رسول اکرم ﷺ در کاری به طور دسته‌جمعی باشند، تا از او اجازه نگیرند، مرخصی نمی‌روند."^(۳)

غنیمت‌گرایی

در جنگ احزاب، آنچه سبب شکست مسلمانان و کشته شدن عده‌ای از آنان گردید، غنیمت‌گرایی گروهی از رزمندگان بود که مأموریت خود را رها کرده و به جمع کردن غنائم مشغول شدند.

۱. سوره انفال، آیه ۱۶.

۳. سوره نور، آیه ۶۲.

۲. سوره توبه، آیه ۸۴.

و . منکرات سیاسی

پذیرفتن طاغوت‌ها و رهبران ناهل

اولین وظیفه انبیا بعد از دعوت به توحید، مبارزه با طاغوت است؛

﴿إِن اَعْبُدُوا اللّٰهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾^(۱)

نه تنها پیروی از طاغوت گناه است، بلکه کمک به او، رضایت بر کار او، دعای به او، علاقه به زنده بودن او، لبخند بر روی او، احترام به او، مسافرت برای دیدار او، بیعت با او، بدرقه او، تشویق او و سکوت در برابر او نیز گناه است.^(۲)

پذیرفتن عوامل بیگانه

قرآن با کمال صراحت می‌فرماید: "بیگانگان را مستشار خود قرار ندهید!"^(۳)

مداهنه و سازش

از آرزوهای دشمنان نسبت به ما، دست برداشتن از اصول و ارزشهای اسلامی و سازش با آنان است.^(۴)

پخش شایعات

پخش هر خبری که مسلمانان را به وحشت اندازد، جامعه را متزلزل و یا روحیه‌ها را تضعیف کند، ممنوع است.^(۵)

۱. سوره نحل، آیه ۳۶.

۲. برای هریک از مسائل فوق، احادیثی وارد شده است.

۳. سوره آل‌عمران، آیه ۱۱۸. ۴. سوره قلم، آیه ۹.

۵. سوره نساء، آیه ۸۳.

بزرگ کردن دشمن

در قرآن می‌خوانیم: "عده‌ای از منافقین به مسلمانان می‌گفتند: از کفار بترسید که عده آنها زیاد است. ولی مسلمانان به‌جای آنکه بترسند، بر ایمانشان اضافه می‌شد."^(۱)

نپذیرفتن حاکمان الهی

رسول خدا ﷺ علی بن ابیطالب را در غدیر خم در میان حدود صدهزار نفر به جانشینی پس از خود منصوب کرد؛ ولی مردم فرمان رسول الله را امتثال نکردند.^(۲)

«والحمد لله رب العالمین»

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۷۳. ۲. دعای ندبه.

مبانی حقوقی امر به معروف و نهی از منکر

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در آیات و روایات تا حدی است که بسیاری از فقها این فرع دینی را از سویی مبنای انقلاب علیه حکومت های استبدادی و ایجاد نظام اسلامی و از سوی دیگر مهمترین راهکار دوام و قوام حکومت میدانند.

با این حال و علی رغم الزام اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر اجرای این واجب همگانی، هنوز زمینه لازم برای درک اهداف و جایگاه حقوقی آن نزد کارگزاران نظام و اندیشمندان حقوقی برای ترویج و نهادسازی و نزد افکار عمومی برای مطالبه و اجرا فراهم نشده است.

به نظر میرسد تبیین مبانی حقوقی این فریضه اجتماعی، می تواند علاوه بر تحقق موارد یاد شده الگوی عقلی مناسبی را به سایر جوامع اسلامی انسانی جهت تضمین ارزشهای قانونی و اخلاقی ارائه دهد بر همین اساس در این تحقیق سعی شده است تا :

اولاً، دیدگاههای ارائه شده در مورد مبانی عقلی امر به معروف و نهی از منکر بازخوانی و نقد شود، ثانیاً، به اهداف مشترک آن با نهادهای حقوقی معاصر اشاره گردد و ثالثاً جایگاه برتر آن به لحاظ دارا بودن مبنای موجه نسبت به نهادهای حقوق بشری معاصر به اثبات رسد.

امر به معروف و نهی از منکر در حقیقت پیام خداوند است که مومن برگزیده به مومن خطاکار اعلام می کند پیامبر اکرم (ص) فرمود: هر کس از شما ناشایسته ای ببیند (باید) به دست خویش مانع آن شود و اگر نتواند به زبان و اگر نتواند به دل مانع شود که حداقل ایمان همین است.

مراتب امر به معروف و نهی از منکر در یک تقسیم بندی، به سه مرحله تقسیم می شود:

۱. مرحله قلبی (رفتار): منظور آن است که ما نسبت به کارهای زشت یا شایسته، از نظر حالت درونی و احساس قلبی، بی تفاوت نباشیم

۲. مرحله زبانی مرحله بالاتر مرتبه زبانی می باشد و به معنای آن است که با زبان و گفتار، طرفدار خوبی ها و خوبان باشیم و به بدی ها، گناهکاران، تخلف ها و منکرات، اعتراض کنیم.

۳. مرحله عملی، که انسان با عمل و اقدام خویش، در راه گسترش خوبی ها و صفات و کارهای نیک و اجرای احکام دین، بکوشد و نیز به طور عملی جلوی مفاسد و زشتی ها و انسان های خطاکار و اعمال خلاف و گناه را بگیرد

اگر مسلمانی در باره رواج خوبی ها و جلوگیری از مفاسد، حساسیتی نشان ندهد حس دینی او از کار افتاده است. لذا باید در اعتقادات خود بازنگری کند.

در حکومت اسلامی نیز، آنجا که جلوگیری از گناهان و فسادها جز با مرحله عملی و اقدام و برخورد ممکن نباشد، باید به نحوی با همکاری و هماهنگی نظام حاکم، نیروهای انتظامی، مقامات مسئول و مراکز مربوطه انجام گیرد تا به هرج و مرج اجتماعی کشیده نشود و همچنین اگر جلوگیری از فساد و گناه، جز با دخل و تصرف در اموال دیگران یا وارد کردن برخی ضررها انجام نشود، اینجا هم اجازه از مراکز مسئول الزامی است.

مقام معظم رهبری می فرماید:

در زمان بسط ید حکومت اسلامی بر مکلفین واجب است که به امر و نهی زبانی اکتفا کنند و در صورت نیاز به استفاده از زور، مسأله را به مسئولین ویژه این امور در قوای انتظامی و قضایی ارجاع دهند.

مقدمه

برای مبانی حقوق دو معنا ذکر شده است:

۱. مبانی به معنای ملاک مشروعیت

۲. مبانی به معنای اهداف متوسط

معنای اول همان معنای مصطلح مبانی است که آن را چنین تعریف کرده اند منبع پنهان و نیرومندی که پایه همه قواعد حقوقی و توجیه کننده الزام ناشی از آنهاست، در اصطلاح مبانی حقوق نامیده میشود که تشخیص آن از مهم ترین و پیچیده ترین مسئله فلسفه حقوق و خمیرمایه همه اندیشههای حقوقی دیگر است

بر اساس معنای دوم، مبانی حقوق اهداف متوسط حقوقاند که واسطه بین قواعد حقوقی و هدف نهایی حقوق یعنی سعادت اجتماعی هستند.

به بیان دیگر، قانونگذار در هر نظام حقوقی یک سلسله مصالح کلی را نصب العین خود قرار داده که تحقق همه آنها موجب سعادت جامعه شده این مصالح کلی را مبانی حقوق و در فقه اسلامی ملاکات احکام نامگذاری کنند.

منظور از مبانی امر معروف و نهی از منکر در این تحقیق هر دو معنای یاد شده است که چنان چه در مباحث آتی خواهیم دید یک تقسیم بندی جدید از مبانی امر به معروف و نهی از منکر است .

بدین معنی که گرچه این فریضه از سویی ریشه در شرع داشته و از سویی در قالب اصل هشتم قانون اساسی مشروعیت یافته است؛ اما لازم است نه تنها مبانی الزام آور بودن آن بلکه مبانی اجازه به افراد برای دخالت در امور یکدیگر را در نظام حقوقی اسلام توجیه و شناسایی کنیم . یافتن این مبانی حقوقی سبب میشود تا :

اولاً، بتوانیم شبهات ناظر به صرفاً اخلاقی بودن آن و در نتیجه عدم امکان نهادسازی و تضمین حقوقی برای آن را رفع نماییم.

ثانیاً، وجه اشتراک و ارتباط آن را با اهداف نهادهای حقوقی معاصر تبیین نموده و با نزدیک نمودن افکار حقوقی، بهره برداری لازم را برای توجیه و ارائه الگوی نظام حقوقی اسلام ارائه نماییم .

بر همین اساس و در ابتدا، با تبیین مبانی عقلی امر به معروف و نهی از منکر، اهداف آن را که با اهداف حقوق بشر معاصر اشتراک فراوان دارد روشن خواهیم ساخت و نهایتاً ملاک موجه بودن آن از منظر فلسفه حقوق اسلامی و برتری آن بر حقوق بشر معاصر را نشان خواهیم داد. بدیهی است که به فراخور مباحث، دیدگاه‌هایی را که تاکنون در این زمینه ابراز شده است، در حد وسع خویش به نقد خواهیم نشست.

۱. مبانی حقوقی به معنای اهداف متوسط (مصالح)

معمولاً در کتب و مقالاتی که در مورد مبانی امر به معروف و نهی از منکر نوشته شده است منظور از مبانی، مبانی وجوب یعنی مبانی وضع آن به عنوان یک وظیفه شرعی است. وجوب یک فریضه نیز مبتنی بر مصالحی است که عقلی یا بر اساس نقل است. اهمیت فهم مبانی وجوب این فریضه در اینجا است که اگر مبانی آن را مانند بعضی از فقها و متکلمین حکم عقل نقل بدانیم ممکن است در اصطلاح فروع بحث از جمله کیفیت اجرای آن با دسته‌ایی که مبانی آن را صرفاً حکم شرع می‌دانند نتایج متفاوتی به دست آوریم

وجوب امر به معروف و نهی از منکر بین فقها اجماعی است؛ اما در مورد مبانی آن اختلاف نظر وجود دارد، چنان که گروهی مبانی آن را حکم شرع، گروهی حکم عقل و بعضی هر دو میدانند. بعضی نیز ادعا نموده‌اند که تنها اشاعره هستند که مبانی وجوب را نقلی میدانند ولی معتزله و فقهای شیعه قائل به عقلی بودن آن هستند.

بحث و بررسی دلایل این دو گروه و ایرادهای متقابل هر یک بر دیگری، در این مقام میسر نیست؛ اما لازم است در مورد مبانی عقلی، به مستندات ارائه شده غیر از قاعده لطف که بیشتر جنبه کلامی دارد اشاره شود.

منظور از مبانی حقوقی در این بند نیز مبانی عقلی است که علاوه بر ارائه ملاکات لزوم تبعیت از این امر، دلایل تشریح آن را نیز روشن می‌سازند.

۱-۱. مقدمه حفظ نظام

بعضی محققان این مسئله را چنین تبیین نموده‌اند یکی از احکامی که عقل آن را درک میکند، وجوب حفظ نظام است؛ خرد همه انسانها در مییابد که نظم زندگی بشر، باید پایدار بوده و لازم است که در برابر عوامل تهدید کننده، حفظ گردد. از همین رو است که عقل، به لزوم تدارک همه اموری که در حفظ نظام نقش دارد، حکم میکند. یکی از این عوامل، امر به معروف و نهی از منکر است که در پایداری زندگی اجتماعی و آسیب ناپذیری آن تأثیر جدی دارد. از این رو، به عنوان مقدمه یک واجب عقلی، واجب اما سپس با استناد به اشکال بعضی فقها پاسخ داده‌اند که نمیتوان ادعا کرد که؛ ترک این فریضه، نظام زندگی بشر را مختل میسازد، چه اینکه بی‌اعتنایی نسبت به این تکلیف در جوامع مختلف، به فروپاشی نظام آنها و یا اختلال در آن نینجامیده است به نظر میرسد در مقام پاسخ به این شبهه، به جای عقب نشینی از اصل ادعا و فروگاستن مسئله حفظ نظام به حفظ نظام اسلامی که مشکلی را حل نمیکند، باید به این نکته توجه داد که گرچه در جوامع غیر اسلامی، نهادی با عنوان امر به معروف و نهی از منکر وجود ندارد؛ اما نهادهایی وجود دارند که نسبت به ترویج معروفها و مقابله با منکرها مطابق با ارزش های آن جامعه و در یک چارچوب مشخص اهتمام دارند. شاید در جهان امروز بارزترین مصداق معروف و منکر بین جوامع غربی و بسیاری از جوامع دیگر رعایت حقوق بشر و نقض آن باشد که نه تنها در سطح ملی بلکه در سطوح بین‌الدولی و بین‌المللی نهادهایی با هدف ترویج حقوق بشر و جلوگیری از نقض آن ایجاد شده که باید در جای خود مورد بحث قرار گیرد؛ اما آنچه باید در اینجا ذکر شود اهمیت روزافزون حقوق بشر به عنوان تضمینی برای حفظ کیفی و شکلی نظامهای داخلی و بین‌المللی است تا حدی که در ادبیات حقوقی غربی و حتی اسناد بین‌المللی مانند منشور ملل متحد از رعایت حقوق بشر به عنوان یکی از پایه‌های اصلی تضمین دموکراسی در کشورها و نیز حفظ صلح و امنیت بین‌المللی نام برده میشود و به منظور حمایت و توسعه آن نهادی با عنوان شورای حقوق بشر در سازمان ملل ایجاد شده است.

نتیجه آنکه جوامع غیر اسلامی نیز فقدان نظارت را در بعضی ابعاد اجتماعی موجب اختلال در نظام خود میدانند. آنچه بیان شد از چشم بعضی اندیشمندان معاصر مخفی قسمی از امر به معروف و نهی از منکر در همه جوامع بشری وجود دارد دلیل آن نیز این است که همه مردم

متوجه شده اند که اگر بنا باشد در یک زندگی اجتماعی کسانی از قانون تخلف کنند، سنگ روی سنگ بند نمیشود.

جالب است که در مقدمه اعلامیه حقوق بشر اسلامی مصوب اجلاس وزرای خارجه سازمان کنفرانس اسلامی در قاهره سال ۱۹۹۰ نیز رعایت حقوق اساسی و آزادیهای عمومی عبادت و کوتاهی نسبت به آنها یا نقض آنها منکر دانسته شده است. همچنین هر فرد به تنهایی مسئول پاسداری و اجرای آنها بوده و امت به گونهای هماهنگ در تضمین آنها مسئولیت دارد.

۲-۱. مصلحت جامعه

این مبنا را چنین تبیین نموده اند انسان مدنی بالطبع است و همه از عقاید و رفتار یکدیگر، تأثیر میپذیرند. انحراف یک فرد، نه تنها خود او را ساقط می کند، بلکه بر محیط اجتماعی نیز اثر گذاشته و جامعه را به سوی تباهی می برد، لذا عقل فرمان میدهد که همه افراد، با نظارت فراگیر خویش، جامعه را حتیالامکان حفظ کنند. شرع نیز همین وظیفه را واجب کرده است. همان گونه که در بیماریهای جسمی واگیردار، باید با جلوگیری از سرایت بیماری، سلامت جامعه را حفظ کرده در مورد امراض روحی و اخلاقی نیز این مسئولیت وجود دارد و هرگونه سهلانگاری در برخورد با آن، به سقوط جامعه و فراگیر شدن فساد در آن می انجامد.

بر این استدلال ایرادهایی وارد شده است از جمله اینکه:

اولاً، پایه و اساس آن بر مسئولیت انسان در قبال جامعه قرار گرفته است که خود نیازمند اثبات عقلی است.

ثانیاً، اگر هدف از این مسئولیت، در نهایت مصونیت فرد باشد بنابراین اصالت جامعه بی معنی خواهد بود و در نتیجه اگر فردی در مقابل فساد اجتماعی معصوم بود دیگر مسئولیتی در قبال جامعه نخواهد داشت.

ثالثاً، مقایسه امراض جسمانی که اراده جمعی بر جلوگیری از شیوع آن وجود دارد با مفسد اجتماعی که ممکن است اکثریت جامعه مدافع آن باشند، قیاس مع الفارق است؛ چرا که در جامعه اخیر فرد در قبال جامعه مسئولیتی نخواهد داشت .

به عبارت دیگر این استدلال در برابر فلسفه لیبرالیسم قرار دارد، از این رو تنها با ابطال فرضیات آن، میتوان مسئولیت فرد در برابر دیگران را به اثبات رساند

به نظر میرسد باید به این نکته توجه نمود که اولاً، صرف پذیرش اینکه در تمام جوامع انسانی، مبارزه با زشتی ها و ترویج ارزشهای مورد قبول آن جامعه مصالح جامعه را تأمین خواهد کرد، برای اثبات اصل ادعا کافی است صرفنظر از اینکه آیا هدف نهایی از این اقدام رسیدن به مصالح فردی است یا اجتماعی؟ ثانیاً، چنانچه در بحث قبل نیز اشاره شد تنها مصداق منکرات در جامعه اسلامی، مفسد اجتماعی نیست بلکه مصادیق دیگری از منکرات مانند عدم رعایت قانون نیز وجود دارد که اکثر مردم جوامع غربی، مانند بیماریهای عمومی با بروز و شیوع آنها مقابله مینمایند. به عبارت دیگر در جوامع غربی هم که فردگرایی بر آنها حاکم است، همه می فهمند که اگر تا حدی در کار دیگران نظارت نکنند، همگی زیان خواهند دید.

لذا حتی وجود یک مصداق مشترک بین جوامع مختلف، ادعای عقلی بودن ضرورت را در این زمینه اثبات مینماید.

۳-۱. ضمانت اجرای قانون

در تبیین این مبنا گفته اند از نظر عقل و به حکم عقلای عالم، دو نکته مسلم است یکی آنکه بشر در زندگی خود نیازمند قانون است و زندگی اجتماعی، بدون قانون سامان نمییابد. دیگر آنکه قانون نیازمند ضمانت اجراست . ضمانت اجرا دوگونه است:

الف تمهیداتی که انسانها را در سمت و سوی قانون سوق می دهد و از تخلفات جلوگیری میکند .
ب کیفرهایی که برای متخلفان از قانون در نظر گرفته میشود و قهراً در بازدارندگی از تخلف مؤثر است

بر اساس این مبادی، امر به معروف و نهی از منکر را در بخش اول راهکاری در جهت ضمانت اجرای قانون میتوان دانست، چه اینکه ضمانت اجرا، به دخالت مراجع رسمی و نهادهای دولتی اختصاص ندارد و حمایت عرف و نیز افکار عمومی، از جمله روشهای آن شمرده میشود. با این تحلیل، کارکرد امر به معروف و نهی از منکر از احکام ابداعی شرع نیست، و در همه جوامع و نظامهای حقوقی، ماهیتی شناخته شده و مقبول دارد گرچه توجه به این وجه از کارکرد امر به معروف و نهی از منکر، قابل تقدیر است؛ اما محدود نمودن آن به یک گونه از ضمانت اجرا (گونه الف) و غفلت از جنبه کیفری این فریضه، آن را در مقابل این ایراد آسیب پذیر میسازد که: گرچه عقل به لزوم وجود ضمانت اجرا حکم میکند؛ اما لزوماً در تمام جوامع، به ضرورت وجود نوع خاصی از ضمانت اجرا که همان امر به معروف و نهی از منکر باشد حکم نمیکند. برای جلوگیری از ایجاد این ایراد باید گفت که به نظر میرسد امر به معروف و نهی از منکر میتواند تمامی اشکال ممکن ضمانت اجرا از جمله کیفر قانونی را در برگیرد چنانچه به تصریح بعضی فقها اعمال مجازات و جریمه (گونه ب) نیز میتواند نوعی امر به معروف و نهی از منکر باشد. این دیدگاه مبتنی بر آن است که مجازات تعزیر را نوعی امر به معروف و نهی از منکر بدانیم.

برای روشن شدن بحث ابتدا لازم است با تعزیر به نحو اجمال آشنا شویم.

در تعریف تعزیر گفتهاند به تأدیب کمتر از حد شرعی تعزیر گفته می‌شود؛ زیرا مانع تکرار آن گناه توسط جانی میگردد.

تعزیر مصادیق مختلفی دارد که قاضی میتواند با توجه به مواردی مانند مقدار علم و دانش و آگاهی مجرم، سن و سال وی، محیطی که مجرم در آن زندگی می‌کند، حسن سابقه یا سوء سابقه مجرم و انگیزه ها و علل و عواملی که بستر پیدایش جرم گردیده، یکی از آنها را انتخاب کند.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی از جمله این مصادیق به دوازده نمونه زیر اشاره نموده اند

نموده اند:

۱. مجازاتهای بدنی (تازیانه)
 ۲. حبس و زندان
 ۳. جریمه مالی که به دو شکل ممکن است: اخذ پول یا اموال و تملک آن، یا توقیف موقت اموال و برگرداندن آن در پایان مدت مشخص
 ۴. تحقیر و توهین و هتک
 ۵. تبعید از شهر محل زندگی یا حتی از کشور
 ۶. ترک رفت و آمد و معامله و خرید و فروش با مجرم به امر حاکم شرع، تا از اعراض و ترک مراد در امر به معروف و نهی از منکر تمییز داده شود.
 ۷. ممنوعیت موقت کسب و کار
 ۸. ممنوع الخروج شدن از شهر محل زندگی یا از کشور
 ۹. محرومیت از برخی مناسب اجتماعی
 ۱۰. سرزنش کردن و سخنان درشت گفتن
 ۱۱. اطلاع رسانی به مردم
 ۱۲. تنگ گرفتن از نظر مواد غذایی، همان کاری که با جانبان پناهنده به حرم میشود
- بر همین اساس است که تعزیر شامل طیف گستردهای از اقدامهاست بهگونهای که بعضی فقها بر اساس روایات نهی از منکر و توبیخ را هم از مصادیق و مراحل تعزیر دانسته اند.
- این ویژگی ها میتواند ما را به این نتیجه برساند که تعزیر نوعی امر به معروف و نهی از منکر است؛ چراکه حاکم شرع میتواند با دقت در شخصیت مرتکب جرم و اینکه چه نوع اقدامی میتواند او را از تکرار جرم باز دارد، وی را مجازات کند. علاوه بر دلایل بالا، در کتب فقهی نیز در

موارد متعدد نسبت به ارتباط بین تعزیرات با امر به معروف و نهی از منکر به تلویح یا به تصریح اشاره شده است. از میان متقدمین علامه حلی وجوب تعزیر را ناشی از وجوب نهی از منکر میدانند، گرچه تعزیر را در ضرب و بالاتر منحصر میکند؛ اما مرحوم فاضل هندی در مقام شرح کلام ایشان ادعا میکند که بر اساس کلام علامه و سایر فقها، مراتب پایینتر از ضرب را نیز چون جزو مراتب نهی از منکرند میتوان تعزیر دانست البته در میان متأخرین تصریح بیشتری وجود دارد. آیت الله مکارم شیرازی ادله وجوب امر به معروف و نهی از منکر را دلیل بر وجوب تعزیر دانسته و مرتبه سوم امر به معروف و نهی از منکر را همان تعزیرات میدانند.

محققان دیگر نیز به این معنی اشاره داشته‌اند که علاقه‌مندان می‌توانند به شرح آن مراجعه نمایند

نتیجه اینکه آنچه در قوانین جمهوری اسلامی چه در قانون اساسی و چه قوانین عادی به عنوان مجازات تعزیری و ملحقات آن (جریمه) آمده و از سوی قضات یا ضابطین قضایی اجرا میشود، همان مرتبه دوم و سوم امر به معروف و نهی از منکر از سوی دولت است. با توجه به اثبات این موضوع میتوان گفت: حکم عقل به ضرورت وجود ضمانت اجرا مساوی حکم آن به ضرورت وجود کارکرد امر به معروف و نهی از منکر است.

۴-۱. لزوم پیشگیری از معصیت (جرم)

این استدلال چنین بیان گردیده است که: یکی از احکام مستقل عقل آن است که باید از معصیت نسبت به مولی و تخلف از دستورات او جلوگیری کرد. از نظر عقل، تفاوتی در شیوه‌های مختلف جلوگیری از معصیت، مانند نهی زبانی یا اقدامات عملی، که ممکن است، وجود ندارد

در پاسخ گفته شده است که:

اساس این استدلال، بر درک رابطه خاص انسان و خدا که از آن به عبودیت تعبیر میشود استوار است

تا نتیجه گرفته شود که این استدلال تنها برای خدا باوران قابل استناد است؛ اما با دقت در بیانات استدلال کننده مشخص میشود که ایشان مسئله معصیت را به عنوان یکی از مصادیق کار ناروا نام برده اند چنانچه حتی جلوگیری از کار زشت از سوی غیر مکلف یا حیوان را نیز به لحاظ عقلی برای انسان لازم می دانند:... اگر حیوانی بخواهد چیزی را روی زمین بریزد که به مصلحت نیست و انسان شاهد آن باشد، وظیفه جلوگیری دارد و بی تفاوتی اش، قبیح است و حتی چنین فردی قابل مؤاخذه است؛ زیرا در برابر وقوع مبعوض با هر مرتبه ای از اهمیت اقدامی نکرده است، همچنین اگر این شخص، ناظر معصیت فرد مکلفی باشد و برای جلوگیری از آن اقدامی نکند، از نظر عقل محکوم بوده و به همان ملاک وقوع کاری که مورد نفرت و بغض است قابل مؤاخذه است البته به اصل این استدلال ایراداتی مانند نافی اختیار بودن آن وارد شده است که به دلیل وجود پاسخ های روشن لزومی به طرح و پاسخ به آن دیده نمی شود

به هر حال به نظر میرسد که مبانی این استدلال با آنچه امروز در حقوق کیفری به نام لزوم پیشگیری از جرم خوانده میشود مشابهت زیادی دارد که میتوان این مقوله را با مسئله جلوگیری از فساد و طغیان ناشی از قدرت حاکمان که به عنوان یکی از فلسفه های فلسفههای نظارت بر حکومت در نظامهای حقوقی فعلی مطرح گردیده است نیز پیوند زد چراکه اصل امر به معروف و نهی از منکر هم چون ابزار ممانعت از برقراری حکومتهای ظالم و استبدادی عمل میکند.

ممکن است گفته شود که امر به معروف پیشگیری از تکرار است نه وقوع؛ چراکه یکی از شرایط وجوب آن اصرار مرتکب (احتمال تکرار) است، لکن باید توجه نمود که این شرط قیودی دارد و همیشه پس از ارتکاب جرم نیست بلکه طبق نظر صریح فقهای مانند امام خمینی: اگر از حال شخص به صورت علم یا اطمینان و یا از دلیل معتبری اطمینان ظاهر شود که او میخواهد معصیتی را مرتکب گردد که تا به حال آن را انجام نداده است. ظاهر آن است که نهی او واجب است.

همچنین ممکن است این پرسش مطرح گردد که امر به معروف و نهی از منکر تنها محدود به جرائم نیست که بتوان آن را با مسئله پیشگیری از جرم در نظام حقوقی معاصر مقایسه نمود بلکه

هر نوع گناهی را شامل میشود. در پاسخ باید گفت که از منظر نظام حقوقی اسلام هر نوع گناهی نوعی جرم محسوب میشود که مجال بحث از آن در اینجا وجود ندارد

۵-۱. حقوق اجتماعی (حق رشد و سلامت روانی)

چنانچه قبلاً اشاره گردید عموماً نویسندگان در بحث از مبانی عقلی امر به معروف و نهی از منکر به موارد چهارگانه یادشده در قالب مبانی وجوب بسنده نموده اند نموده اند؛ لکن به نظر میرسد این موارد جنبه حداقلی و سلبی دارند یعنی نتایج فاجعه‌بار نبود امر به معروف و نهی از منکر را متذکر شده و آن را ضامن عدم سقوط جامعه دانسته‌اند. این در حالی است که میتوان از یک منظر حداکثری و ایجابی نیز به لزوم انجام امر به معروف و نهی از منکر که حتی در نظام حقوقی معاصر نیز پذیرفته شده است، تمسک هر انسان برای زندگی در یک جامعه دارای (حق) جست و آن چیزی نیست جز بالاترین استاندارد سلامت روحی و روانی که بتواند او را به رشد لازم برساند. به عبارت دیگر حق انسان بر زندگی و رشد در یک محیط سالم ایجاب میکند که او یادی از دولت، با عوامل ناامنی روحی و روانی مبارزه کند. در مقام مقایسه میتوان گفت مبانی وجوب، متناظر با آن دسته روایات (مبانی نقلی امر به معروف و نهی از منکر) هستند، که عواقب این فریضه مانند تسلط اشرار، هلاکت کودکان و ... را بیان نموده‌اند؛ ولی مبانی اخیر متناظر با روایاتی است که نتایج مثبت انجام این فریضه در جامعه مانند ایمنی راه‌ها،

آبادی زمین و... را برشمرده‌اند. رد پای چنین حقی را می‌توان در اسناد حقوق بشری نیز مشاهده نمود چنانچه ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر هر کس در مقابل جامعه‌ای که رشد آزاد و کامل شخصیت او را میسر نماید دارای وظیفه میدانند.

از سوی دیگر ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. هر انسانی را دارای حق برخورداری از بالاترین استاندارد سلامت جسمی و روحی دانسته و تعیین گزارشگر حق برخورداری از بالاترین استاندارد سلامت جسمی و روحی از سوی شورای حقوق بشر نشان دهنده شناسایی این حق بوده و قاعدتاً لوازم آن بایستی فراهم گردد و گرچه ممکن است در زمینه مصادیق سلامت روحی اختلافات دیدگاه وجود داشته باشد.

۲. مبنای حقوقی به معنای ملاک مشروعیت

در قسمت پیشین، ضرورت امر به معروف و نهی از منکر یا وجوب آن بر اساس عقل تبیین گردید؛ اما از آنجا که تحقق این فریضه اجتماعی، بر خلاف عبادات فردی، نیازمند مداخله و تصرف در شئون دیگران (مردم دولت، دولت مردم و مردم مردم) است، لذا مناسب است که مبنای توجیهکننده این نوع دخالت را روشن نماییم. به عبارت دیگر، میخواهیم بدانیم که مجوز دخالت مسلمانان و نیز حکومت اسلامی در

شئون یکدیگر به ویژه مداخله مردم در امور یکدیگر که در نظامهای لیبرال محل اشکال است... چیست؟ مشروعیت تصرف در شئون دیگران یک مسئله اساسی است که فراروی تمامی مکاتب حقوقی قرار دارد و باید به آن پاسخ دهند. البته ما به این نکته توجه داریم که در نظام حقوقی اسلام، امر شارع مقدس به انجام یک فعل اجتماعی توجیه کننده توأمان ضرورت آن واجب و مشروعیت انجام آن از سوی مکلفین نسبت ملاک حقانیت و مبنای مشروعیت قواعد حقوقی، اراده تشریحی خداوند است.

اما جالب اینجاست که در مسئله امر به معروف و نهی از منکر، شارع مقدس خود برای توجیه دخالت مؤمنین در امور یکدیگر دلیل میآورد که چیزی نیست جز ولایت مؤمنین بر یکدیگر.

به عبارت دیگر امر به معروف و ناهی از منکر برای دخالت در امور دیگران و آنکه بتواند به دیگری تذکر دهد و یا عملاً جلو معصیت را بگیرد باید نوعی ولایت و قدرت قانونی برایش جعل و اعتبار شود که طبق این آیه خداوند چنین ولایت و قدرتی را به مردان و زنان مؤمن داده است.

بنابراین مبنای وجود این اصل ولایت مؤمنین است که مانند تمامی قواعد حقوقی به ولایت الهی منتهی میشود. باید به این نکته توجه داشت که ولایت بین مؤمنین از یک منظر دیگر نیز میتواند توجیه کننده وجوب امر به معروف و نهی از منکر باشد و این در صورتی است که آن را معنا کنیم. از این منظر میتوان گفت در یک جامعه ایمانی که هدف آن تعالی انسانهاست و همه

مؤمنین با یکدیگر برادر بوده و بر هم ولایت دارند، حق هر انسان مؤمنی است که در صورت انجام یک خطا یا تکرار عامدانه یک گناه، از سوی دیگر مؤمنین ارشاد یا بازخواست شود تا بتواند با تصحیح افکار یا عملکرد خود در مسیر حیات طیبه قدم بردارد.

این نکته ای است که هم در کلام امیرالمؤمنین مشهود است و هم بعضی فقها بدان توجه داشته‌اند، چنانچه تصریح نموده اند که نصیحت ایشان و امر به معروف و نهی از منکر کوتاهی نباید کرد که آن نیز از جمله حقوق مؤمنین است.

لازم به ذکر است که در بندج ماده بیست و دوم اعلامیه حقوق بشر اسلامی دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر بر طبق ضوابط شریعت اسلامی، به عنوان حق هر فرد به رسمیت شناخته شده است. بنابراین در مقابل این حق ناشی از برادری، وظیفهای متقابل برعهده م و ممان است تا یکدیگر را امر و نهی کنند.

ممکن است این سؤال مطرح شود که مبنای حقوقی طرفداران حقوق بشر معاصر برای دخالت در امور دیگران با هدف دفع یا رفع نقض این حقوق چیست؟ در مقام پاسخ، طرفداران حقوق بشر معاصر که می توان آن را حقوق بشر لیبرالیستی یا پوزیتیویستی نام نهاد، ابتدا تلاش نموده‌اند تا برای اثبات وجود حقوق جهان شمول برای بشر مبانی لازم را ارائه دهند که تبیین این مبانی و نقد آن مجال دیگری میطلبد، لکن چنانچه گفته شده است: توجیه استحقاق افراد به بهره‌مندی از حقوق بنیادین، ضرورتاً به معنای موجه بودن مداخله دیگران در برابر نقض این حقا نیست و این مداخله باید جداگانه به اثبات برسد. در عین حال بنا بر اعتراف همین طرفداران حقوق بشر معاصر که مبنای خود را اخلاق حقدار میدانند، آنان نتوانسته اند مشروعیت این مداخله را در چارچوب قرارداد اثبات نمایند.

از نظر آنان همانالذا ناچار شده‌اند به مبانی رقیبان ناهمدل که انظر آنها همانا نفع انگاران و محافظه کاران مذهبی هستند این گونه متوسل شوند: اخلاق فضیلت مدار و اخلاق نفع انگار بهرغم آنکه نمیتوانند اصالتاً به عنوان مبنای نظری و اخلاقی حقوق بشر مطرح باشند؛ اما می توانند در مسئله حمایت از حقوق نقض شده دیگران به کار آیند. این ادعا در بادی امر تناقضآمیز می

نماید؛ لیکن باید توجه داشت که باور اخلاقی به حقوق بشر و مسئله مقابله با نقض و نادیده گرفتن حقوق دیگران دو مسئله متفاوت هستند که هرکدام مبنای اخلاقی خاص خود را می‌طلبند.

با این توجیه است که آنان از کمک به دیگران به ویژه مظلومان که از جمله فضایل انسانی در ادیان ابراهیمی است علی‌رغم مفهوم متفاوت ظلم و ستم در برخی قرائت‌های سنتی از مذهب با نقض حقوق بشر برای رسیدن به نتیجه مد نظر خویش بهره‌میرند؛ اما بر خلاف این مدعا و توجیه ارائه شده، به نظر میرسد علت اصلی این نابسامانی، وجود اشکال در مبانی و منابع اولیه حقوق بشر معاصر باشد. از جمله اشکالهای مرتبط با بحث ما آنکه: قانونگذاران بین‌المللی به دلیل غرق شدن در طبیعت و غفلت از فطرت در رهنمودها و میثاقهای حقوقی خودساخته تنها به حق بهره‌مندی از نعمت‌ها و تاحدودی وظیفه عدم تجاوز به حقوق دیگران اشاره نموده‌اند؛ اما از خط سوم روابط حقوقی مبتنی بر فطرت یعنی وظیفه پاسداری از حقوق دیگران سخنی به میان نیاورده‌اند در حالیکه در تفکر دینی، حمایت از مظلوم به عنوان یک وظیفه عینی یا کفایی مطرح گشته است.

شاید به همین دلیل باشد که *مایکل کوک*، نویسنده غربی کتاب امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی معتقد است که وظیفه بازداشتن دیگران از ارتکاب کارهای ناشایست نسبت به هموعان مختص جوامع اسلامی بوده و مشابهی در فرهنگ غرب ندارد.

اثبات وجود مبنای حقوقی برای امر به معروف و نهی از منکر، اهمیت بسیار زیادی دارد؛ چراکه آن را از یک امر اخلاقی صرف متمایز نموده امکان قانونگذاری و اجرای آن را در جامعه فراهم میسازد و در نتیجه گام مهمی در تحقق اصل هشتم قانون اساسی و نیز حقوق بشر اسلامی که با تعابیر مختلف در اصول مختلف قانون اساسی از آن یاد شده است خواهد بود.

نتیجه

در این مقاله مبانی حقوقی امر به معروف و نهی از منکر به دو معنا بررسی گردید. در معنای اول مبانی همان اهداف متوسط و ضرورتها هستند که در قالب مبانی عقلی و نقلی قابل بررسی هستند. با بررسی مبانی عقلی و نقد و بازخوانی ادبیات موجود به این نتیجه رسیدیم که اهداف عمده این فریضه در نظام های حقوقی معاصر به ویژه نظام حقوق بشر نیز نهفته است و بسیاری از نهادهای حقوق بشری کار ویژه امر به معروف و نهی از منکر را دارا هستند گرچه در تمامی مصادیق معروف و منکر توافقی وجود ندارد؛ اما در معنای دوم، مبنا همان ملاک مشروعیت و در مانحن فیه مجوز دخالت شهروندان در امور یکدیگر است که از منظر اسلام کاملاً موجه بوده و وجه برت ری آن بر نظام حقوق بشر معاصر است. با اثبات وجود مبانی حقوقی راه برای رفع شبهه اخلاقی بودن این فریضه و عدم امکان قانونگذاری و نهادسازی برای آن فراهم میگردد.